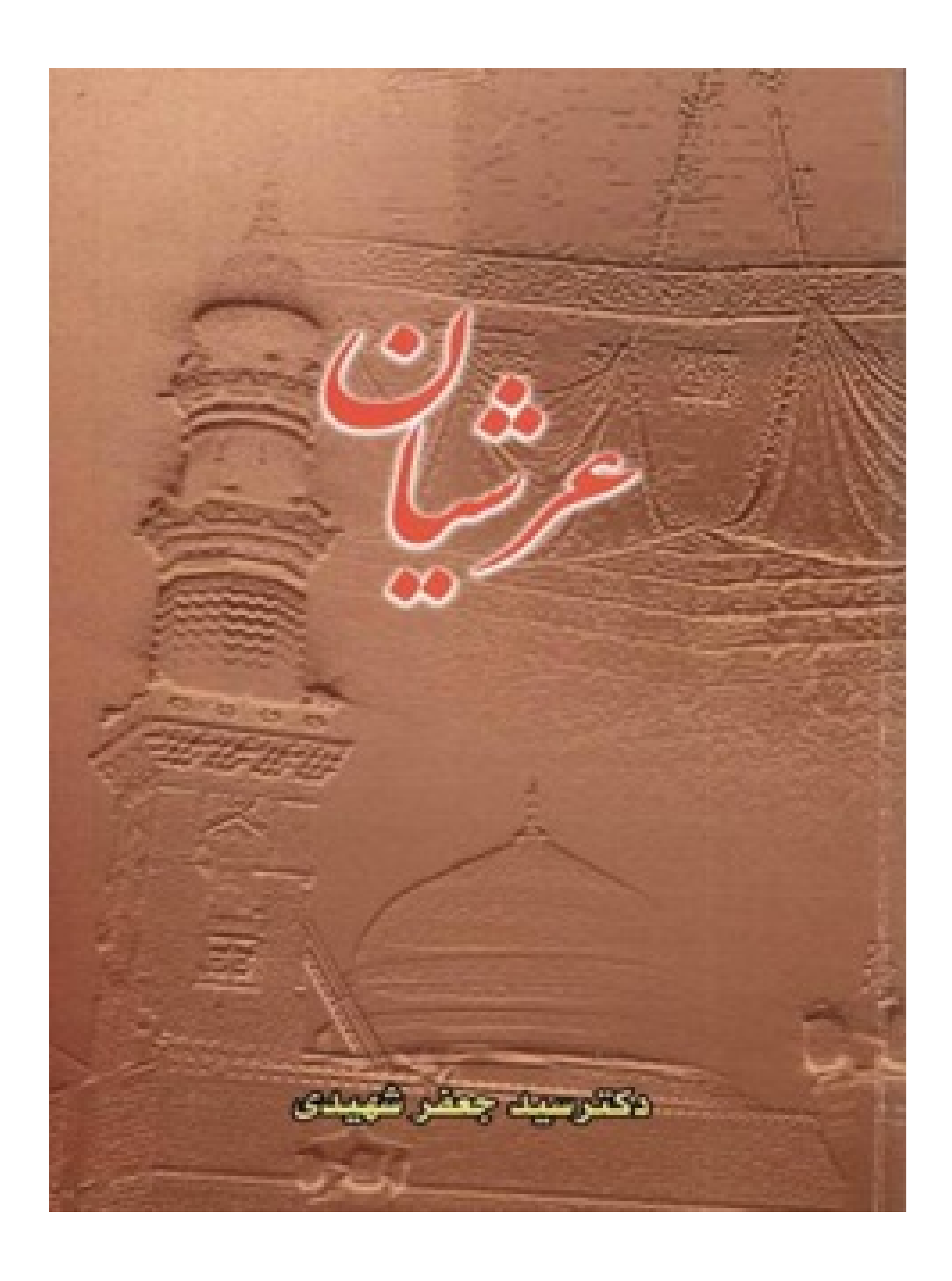

عرشیان
دکتر سید جعفر شهیدی



عرشیان

نویسنده:

سید جعفر شهیدی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عرشیان

مشخصات کتاب

سرشناسه : شهیدی، جعفر، ۱۲۹۷-

عنوان و نام پدیدآور : عرشیان/ تالیف جعفر شهیدی؛ [برای] حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری : ۱۲۰ ص.: مصور؛ ۵/۱۹×۱۱ س‌م.

شابک : ۵۰۰۰ریال ؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ؛ ۵۵۰۰ ریال: چاپ چهارم: ۹۶۴۷۶۳۵۴۸۶

یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۸۴.

یادداشت : چاپ چهارم:زمستان ۱۳۸۴.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۱۷ - ۱۲۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : مسجدها -- عربستان سعودی -- مدینه

موضوع : مکه -- سیر و سیاحت.

موضوع : مکه -- تاریخ.

موضوع : مدینه -- تاریخ.

شناسه افزوده : حوزه نمایندگی فقیه در امور حج و زیارت

رده بندی کنگره : DS۲۴۸/م۷ش۹

رده بندی دیویی : ۹۵۳/۸

شماره کتابشناسی ملی : م۸۳-۱۵۲۶

ص: ۱

پیشگفتار

ص: ۲

بانگ وللّه علی النّاس زنند

عرشیان بانگ وللّه علی الناس زنند پاسخ از خلق، سمعنا و اطعنا شنوند از سَرِ پای درآیند سَراپا به نیاز تا تعال از ملک العرش، تعالی شنوند

«خاقانی»

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

بسم اللَّه الرحمن الرحیم «یکی دیگر از وظایف مهمّ، قضیه آشنا کردن مردم است به مسائل حجّ. آدم بسیار می‌بینند که حجّ می‌روند، زحمت می‌کشند، لکن مسأله حجّ را نمی‌دانند ..».

امام خمینی قدس سره

حجّ نمایشی پرشکوه، از اوج رهایی انسان موحّد ازهمه چیز جز او، و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس، و جلوه بی‌مانندی از عشق و ایثار، و آگاهی و مسئولیت، در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حجّ تبلور تمام عیار حقایق و ارزشهای مکتب اسلام است.

مؤمنان گرچه با این عبادت الهی، آشنایی دیرینه دارند و هر سال با حضور شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحید می‌زدایند و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از

ص: ۱۰

آموزه‌های حیاتبخش حجّ است، امّا هنوز ابعاد بی‌شماری از این فریضه مهمّ، ناشناخته و مهجور مانده است.

پیروزی انقلاب اسلامی، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام خمینی- رضوان‌اللَّه تعالی علیه- حجّ را نیز همچون سایر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشاند و سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. امّا هنوز راهی دراز در پیش است، تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حجّ، شناخته و شناسانده شود، و مؤمن حج‌گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه و مشاعر عظیمه، که محلّ هبوط ملائکهٔ اللَّه و توقّف انبیا و اولیا بود، گام بگذارد.

در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظّم رهبری با الهام از اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل، احیاگر حجّ ابراهیمی- قدّس سرّه‌الشّریف- و بهره‌گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی حضرت آیهٔ‌اللَّه خامنه‌ای- مدّظلّه‌العالی- با تأسیس معاونت آموزش و پژوهش، تلاش کرده است تا فصل جدیدی فراراه اندیشمندان مسلمان و علاقمندان به فرهنگ حجّ و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو در عرصه تحقیق و تألیف و ترجمه، آثار گوناگون پیرامون حقایق و معارف حجّ، آشنایی با اماکن مقدسه، تاریخ و سرگذشت شخصیتهای بزرگ اسلام، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و بویژه آموزش مسائل و آداب حجّ تلاش‌هایی را آغاز کرده است.

آنچه اینک پیش روی خواننده قرار دارد، برگ سبزی

ص: ۱۱

است از این دفتر.

بی‌گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارسایی‌ها خواهد کاست و در این راه، معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظّم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، دست آنان را به گرمی می‌فشارد.

ومن اللّه التوفیق وعلیه التکلان

معاونت آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظم رهبری

ص: ۱۲

ص: ۱۳

بسم‌اللّه الرحمن الرحیم وَلِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَن اسْتَطاعَ الَیْهِ سَبیلًا. (۱) برای پذیرفتن این دعوت آسمانی که از تأکید گونه‌ای هم خالی نیست، همه ساله ده‌ها هزار تن از کشور ما و صدها هزار تن از دیگر کشورهای اسلامی یا غیر اسلامیِ جهان، روانه خانه خدا می‌شوند. خود را با هواپیما، کشتی و یا اتومبیل به بندر جدّه و مدینهٔ‌الحاج می‌رسانند، تا عمره تمتُّع و حج تمتُّع راانجام دهند. اینان کسانی هستند که خود را مستطیع می‌دانند، و چون استطاعت یافته‌اند باید این فریضه الهی را ادا کنند.

حج امانتی الهی و رکنی از ارکان اسلام و چهارمین رکن این دین است. سه رکن پیش از آن، «نماز»، «زکات» و «روزه» است. (۲) درباره حج تا آنجا تأکید شده است که گفته‌اند: اگر مسلمانی مستطیع، به مکه نرود و بمیرد، شایسته نام مسلمانی

۱- خداراست حج آن خانه، بر کسی که توانایی رفتن بدان را داشته باشد آل‌عمران: ۹۷.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸ حدیث ۳، چاپ آخوندی.

ص: ۱۴

نیست و دم مرگ به هر دین که خواهد بمیرد، ترسا یا جهود. (۱)

و در خبر دعائمُ‌الاسـلام از امام صادق علیه السـلام است که اگر مالـداری حج نکند و بمیرد، از کسانی است که خدا درباره او گفته است: «در روز قیامت او را کور بر می‌انگیزانیم.» (۲) پرسیدند: کور؟ فرمود: آری کور از راه خیر. (۳)

استطاعت چیست و مستطیع کیست؟

استطاعت حج را فقهای مـذاهب اسـلام در رساله‌های عملی و کتابهای مناسک معنی کرده‌انـد؛ آنقدر پول که بتوان به مکه رفت و برگشت، آن انـدازه که زن و بچه او تا بازگشت وی، بدان زندگی کنند، بعلاوه دارا بودن مایه‌ای برای گذران خود و عائله‌اش پس از بازگشت از سـفر، همین و همین، تکلیفی ساده، تا آنجا که بسیاری از مسلمانان خود را بر انجام دادن این تکلیف قادر می‌بینند، و شاید به خاطر همین آسان شـمردن است که همه ساله صدها هزار، و در عصر ما افزون از یک میلیون مسلمان از گوشه و کنار جهان به راه می‌افتند، تا خود را به یکی از میقات‌گاهها برسانند.

اما اعمال حج؛ بظاهر آن اعمال نیز آسان‌تر از مستطیع شدن است؛ در یکی از میقات‌گاهها محرم شود و به مکه برود.

هفت بار به دور خانه کعبه طواف کند، دو رکعت نماز در مقام

۱- سفینهٔ‌البحار، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲- طه: ۱۲۴.

۳- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۲.

ص: ۱۵

ابراهیم علیه السلام بخواند، هفت بار بین دو کوه صفا و مروه برود و برگردد، اندکی از موی یا ناخن را بچیند و از لباس احرام بیرون آید، کار عمره تَمتُّع پایان یافته است و باید منتظر احرام حج باشد. سپس روز هشتم یا نهم ذوالحجه از مسجدالحرام یا از شهر مکه محرم شود، برای ظهر روز نهم ذی‌حجه، خود را به عرفات برساند، تا غروب آفتاب در عرفات بماند، شب دهم به مشعرالحرام برسد و تا طلوع خورشید در آنجا توقف کند، سپس عازم مِنی گردد، هفت بار به جمره عَقَبَه سنگ بیندازد، گوسفندی قربانی کند. سر را بتراشد، یا اندکی از موی سر بچیند، برای طواف زیارت و نماز طواف و سعی و طواف نساء و نماز طواف به مکه برگردد، شب یازدهم و دوازدهم و نیمه روز دوازدهم را در مِنی توقف کند و به هر یک از جمره‌های سه گانه هفت سنگ بیفکند، از این به بعد تا پایان عمر حاجی است. استطاعتی که بظاهر تحصیل آن بسیار آسان است، و اعمالی که انجام دادن آن آسانتر از استطاعت می‌نماید. آنچه در مناسک حج می‌خوانیم، آنچه در کتابهای فقهی نوشته شده همین است و همین. ولی آیا به راستی استطاعت این چنین مختصر و اعمال حج بدین سادگی است؟

باید دانست آنچه فقها در رساله‌ها و مناسک نوشته‌اند، تشریح حکم ظاهریِ مکلف است. حکمی است که مکلَّف باید با دست و پا و زبان انجام دهد، اما تعریف کامل حج را باید در کتابهای اخلاق‌اسلامی و دستورالعمل‌های ائمه علیهم السلام جستجو کرد. باید در نظر داشت که مکلّف پیش از آنکه فریضه حج بر

ص: ۱۶

او تعلق گیرد، مسلمان است و مسلمان در سنَّت تعریفی روشن دارد. این که سنت می گویم چون بین تعریف مسلمان در کتاب خدا و سنت رسول صلی الله علیه و آله و اخبار اهل بیت علیهم السلام ملازمه اجمال و تفصیل است. در قرآن مسلمان از جهت سهیم بودن در حقوق سیاسی و اجتماعی تعریف شده است و در سنت از جهت شایسته بودن برای دریافت این لقب افتخارآمیز، شایسته این که او را بتوان موجودی باایمان خواند، مسلمانی آنچنان که امام صادق علیه السلام او را توصیف می کند. چنین کس اگر بخواهد فریضه حج را آنچنان که باز در کتاب اخلاق اسلامی بیان شده است بگزارد، در حقیقت جهاد و یا کاری بالاتر از جهاد کرده است.

سختی شهادت یکدم بیش نیست، اما در چنین جهاد، هر لحظه باید خود را قربان کرد:

بگذرند از سر مویی که صراطش دانند پس به صحرای فلک جای تماشا بینند (۱) در میان آنانکه با ادبیات فارسی سروکار دارند، کمتر کسی را می‌توان یافت که این قطعه ناصر خسرو قبادیانی را برای یک بار هم که شده نخوانده باشد:

حاجیان آمدند با تعظیم شاکر از رحمت خدای رحیم

مرمرا در میان قافله بود دوستی مخلص و عزیز و کریم

۱- خاقانی شروانی.

ص: ۱۷

گفتم او را بگو که چون رستی زین سفر کردن به رنج و به بیم

چون همی خواستی گرفت احرام چه نیت کردی اندر آن تحریم؟

جمله بر خود حرام کرده بدی هر چه مادون کردگار قدیم

گفت نی، گفتمش زدی لبیک از سر علم و از سر تعظیم

می‌شنیدی ندای حق و جواب باز دادی چنانکه داد کلیم

گفت نی، گفتمش چو در عرفات ایستادی و یافتی تقدیم

عارف حق شدی و منکر خویش بتو از معرفت رسید نسیم؟

گفت نی، گفتمش چو می کُشتی گوسفندی از پی یسیر (۱) و یتیم

قرب خود دیدی اول و کردی قتل و قربان نفس شوم لئیم؟ گفت نی، گفتمش چو می‌رفتی در حرم همچو اهل کهف و رقیم

۱- یسیر از اتباع است، چنانکه گویند: یسیر و یتیم، و این کلمه در متن‌های‌قدیم فراوان آمده است.

ص: ۱۸

ایمن از شرّ نفس خود بودی وزغم فرقت و عذابِ جحیم؟ گفت نی، گفتمش چو سنگ جمار همی انداختی به دیو رجیم

از خود انداختی برون یکسر همه عادات و فعلهای ذمیم؟

گفت نی، گفتمش چو گشتی تو مطَّلع بر مقام ابراهیم

کردی از صـدق و اعتقاد و یقین خویشـیِ خویش را به حق تسـلیم؟ گفت نی، گفتمش به وقت طواف که دویدی به هَرْوَلَه چو ظَلیم

(۱) از طواف همه ملائکتان یاد کردی به گرد عرش عظیم؟

گفت نی، گفتمش چو کردی سعی از صفا سوی مروه بر تقسیم

دیدی اندر صفای خود کَوْنَین شد دلت فارغ از جحیم و نعیم؟

گفت نی، گفتمش چو گشتی باز مانده از هجر کعبه بر دل، ریم

۱- شتر مرغ.

ص: ۱۹

کردی آنجا به گور مر خود را همچنانی کنون که گشته رمیم؟

گفت از این باب هر چه گفتی تو من ندانسته‌ام صحیح و سقیم

گفتم ای دوست پس نکردی حج نشدی در مقام محو مقیم

رفته‌ای مکه دیـده، آمـده باز محنت بادیه خریـده به سـیم (۱) اگر حـاجی شـدن بـدان آسـانی است که نوشتیم، این شاعر متکلم چه می‌گوید؟ آیا حجی را که از دوسـتش خواسـته، به روش تفسیر باطنیان از احکام فقهی است؟ درست است که ناصرخسرو اسماعیلی و بر مـذهب بـاطنی اسـت، امـا آنچـه سـروده و انجـام دادن آن را حـج واقعی دانسـته، در سـنت رسـول صـلی الله علیه و آله و اخبـار اهل‌البیت (مخصوصاً روایتی که از امام صادق علیه السلام رسیده) می‌توان دید:

«هرگـاه خواستی حـج کنی، بر آن بـاش که دلت را برای خـدا، از چیزی که تو را به خود مشـغول سـازد و از هر چه میان تو و او در آیـد، خـالی کنی. همه کارهـای خود را به آفریـدگارت واگـذار و در هر حرکت و سـکون که از تو پدیـد می‌شود بر او توکل کن. تسلیم حکم خدا و قضا و قدر او باش. دنیا و آسایش

۱- ناصر خسرو، چاپ مینوی، محقق، صص ۳۰۱- ۳۰۰.

ص: ۲۰

و آفریدگان را رها ساز.» (۱)

در مستدرک‌الوسائل (۲) حدیثی است نظیر پرسش و پاسخ‌های ناصرخسرو و دوستش، این پرسش‌ها میان امام سجاد علیه السلام و شبلی رفته است. اما اگر مقصود از شبلی، همان صوفی معروف است، وی در سده سوم (۲۴۷ ه. ق.) متولد شده و در سده چهارم (۳۳۴ ه. ق) درگذشته است. و شبلی دیگری را که در سده نخست (معاصر امام سجاد علیه السلام) در مدینه به سر برده باشد در کتابها نمی‌بینیم (والعلم عنداللّه).

به‌هر حال مضمون آن روایت، رعایت شرایط معنوی در ادای مناسک حج به موازات انجام تکلیف‌های ظاهری است؛ پس بار دیگر می‌پرسم: استطاعت چیست؟

در آغاز بحث، از استطاعت سخن گفتیم و گفته شد: باید توجه داشت استطاعتی را که فقها شرط دانسته‌اند، استطاعت «مالی» و «جسمی» است، اما پیش از این دو، باید استطاعت دیگری تحصیل شده باشد. استطاعتی که مخصوص زائر خانه خدا نیست. استطاعتی که هر مسلمان مکلف باید دارا باشد.

«استطاعت علمی»؛ یعنی «چه باید بکند» و «استطاعت اخلاقی»؛ یعنی «آنچه را می‌داند چگونه انجام دهد». در شریعتی که درباره اخلاق عملی آن، کتابهایی مانند:

محجهٔ‌البیضاء، احیاء علوم‌الدین، معراج‌السعاده، کیمیای

۱- سفینهٔ‌البحار، ج ۱ ص ۲۱۳.

۲- ج ۱۰، صص ۷۲- ۱۶۶ چاپ مؤسسه آل‌البیت.

ص: ۲۱

سعادت، مقامات‌العلیه و دهها کتاب اخلاقیِ دیگر نوشته شده است، در دینی که طلب علم را بر هر مسلمان واجب کرده است، مسلّماً باید این استطاعت، پیش از بلوغ فراهم گردد، و یا لااقل به تدریج در مدتی نه بسیار طولانی، آماده شود. اما متأسفانه بسیاری از برادران مسلمان بدین دو امر مهم توجه ندارند. زائران خانه خدا بطور معمول هنگامی استطاعت مالی پیدا می‌کنند که بیش از نیمی از عمر طبیعی را پشت سر گذارده‌اند؛ یعنی در سنین بالاتر از چهل سالگی. در چنین وقتی به فکر یاد گرفتن احکام حج می‌افتند، آن هم در روزهای معیّن و در ساعتهای معدود.

می‌دانیم در چنین دوره از زندگی، تعلیم گرفتن دشوار است و آنچه روحانیان گروههای حج از حاجیان می‌خواهند تقریباً محال. دشواریِ کار، تنها در آموختن واجبات حج، یعنی همان اعمال و گفتار ساده نیست. بسیاری از برادران و خواهران می‌خواهند حمد و سوره و اعمال نماز واجب را هم در همان مجالس یاد گیرند، مثل اینکه نماز هنگام بیرون شدن برای حج، بر آنها واجب شده است. خوب، به قول معروف «از هر جای ضرر برگردیم منفعت است»، اما چگونه برگردیم؟ به تجربه دانسته شده است چون سنین عمر از پانزده گذشت و تار آواهای گلو ستبر شد، دیگر محال است بتوان حرف‌ها را مانند عرب زبانان درست ادا کرد و چقدر آن روحانی محترم رنج می‌بَرَد که می‌خواهد به پیرمردی هفتاد ساله از منطقه‌ای دورافتاده تعلیم دهد، تا «انَّ الْهَمْتَ وَالنِّهْمَةَ» نگوید و

ص: ۲۲

«انَالْحَمْدَ وَالنِّعَمَهٔ» بگوید. و یا «وَلَاالضّالین» را «ولاالزّالین» تلفظ نکند.

اگر آن برادرِ مسلمان پیش از آغاز بلوغ شرعی به یاد گرفتن و درست گفتن حمد و سوره می‌پرداخت و اگر در همان سالها احکام حج را که ممکن است روزی بر او واجب گردد، می‌آموخت، با چنین دشواریها روبرو نمی‌شد.

بایـد پـذیرفت که مقـدار توجه به فراگرفتن احکـام و آداب دین، نمایـانگر درجه علاقه ما نسبت به دین است. اگر در مکه و مـدینه اعمال بعضـی حاجیان نشان می‌دهد که از دین و معارف اسـلامی جز تعلیماتی سـطحی ندارند، علامت این است که اجتماع مسلمان نسـبت به آموختن احکام دین و فقه اسـلام و اخلاق اسلامی بی‌اعتناست، مگرنه این است که در حدیث می‌خوانیم مسلمان نسبت به مسلمان دیگر مانند اندامی از کالبد است که اگر فاسد شود به همه کالبد اثر می‌گذارد.

تأسف ما وقتی شدیدتر خواهد شد که بر چنین سهل‌انگاری، این مطلب را نیز اضافه کنیم که شاید تعداد قابل توجهی از زائرانِ خانه خدا و حرم شریف پیغمبر، از وضع این منطقه، آداب و رسوم مردم حرمین، مقرراتی که در آنجا حاکم است، اماکن زیارتی و آداب خاص آن اماکن، اطلاع درست ندارنـد، تا چه رسـد به وضع اقتصادی و موقعیت جغرافیایی حجاز و حرمین در بین دیگر کشورهای اسلامی و زیان این ندانستن، مخصوصاً در آن قسمت که به آداب و رسوم مذهبی مردمِ حجاز مربوط می‌شود، کمتر از نقص

ص: ۲۳

ندانستن اعمال و فرایض حج نیست و بسا مشکلاتی را پیش می‌آورد.

بدون شک اگر بازرگانی بخواهد کالایی را به ارزش همان مبلغ که یک تَن حاجی در سرزمین حجاز مصرف می‌کند خریداری کند، اطلاعاتی وسیع‌تر از معلومات این برادر مسلمان درباره خصوصیات آن کالا، چگونگی تولید آن، بهای آن و بازار فروش آن به دست خواهد آورد.

متأسفانه می‌بینیم توجه بعضی زائران خانه خدا به خرید و انتخاب کالا بسیار بیشتر از توجه به روشی است که امامان ما، از ما همیشه و بخصوص در این سفر انتظار دارند! تعدادی از برادران مسلمان ما به حج می‌روند و بر می‌گردند و درست نمی‌دانند به کجا رفته‌اند وبرای چه رفته‌اند. بلکه گروهی از آنان حتی به ظاهر هم نمی‌دانند به کجا رفته‌اند. و اگر از آنان بپرسند شهر مقدس مکه و مدینه را از روی نقشه جهان بشناسانند که در کدام نقطه است، در می‌مانند، تا چه رسد به اینکه بدانند این دو شهر پیش از ظهور اسلام چه وضعی داشته و چگونه اداره می‌شده و اسلام چه تغییرهای بنیادی در آن پدید آورده است.

برخی از حاجیان نمی‌دانند چه رژیمی بر این منطقه حکومت می‌کند. نمی‌دانند مردم این شهرها بر چه مذهبی هستند. آنان که آشنایی مختصری به تاریخ داشته باشند، شنیده‌اند که مکه و مدینه جزو عربستان سعودی است. و مذهب سعودیان، وهابی است. اما سعودیان کیستند

ص: ۲۴

و وهابی چیست؟ چیزی نمی‌دانند! اما حج چنانکه می‌دانیم عبادت است، جهاد است، رکنی از ارکان اسلام است.

مجاهد در میدان جهاد باید از همه سو مواظب حمله دشمن باشد. و بنیان گذار رکن باید تا آنجا که می‌تواند پایه را استوار سازد.

حج، عبادتی واجب است و در هر عبادت باید مراقب بود که با محظوری بر خورد نکند، چه اگر چنین برخوردی پیش آید، تکلیف دشوار خواهد شد. اما متأسفانه کمتر سالی است که دشواری‌هایی برای حاجیان پیش نیاید.

گاهی هم ممکن است کار از مرحله دشواری بالاتر رود و با فاجعه‌ای دلخراش پایان یابـد چنان که نمونه‌هایی از آن را در عمر خود دیدیم.

نویسـنده این مختصـر، با توجه بدین نکات، چنین جزوه‌ای را تهیه کرده است، او نمی‌خواهد مناسک را از روی رساله مراجع بیاورد. نمی‌خواهـد فلسـفه و اسـرار حـج را بیـان کنـد. در این‌باره به قـدر کافی کتاب و مقاله نوشـته‌اند. آنچه در این مختصـر فراهم آمـده، حداقل معلوماتی است که هر زیارت کننده خانه خدا باید دارا باشد، بلکه هر مسلمان مستطیع یا غیر مستطیع باید آن را بداند.

امیـدوارم این کوشـش مشـکور افتـد و خوانندگان و اسـتفاده کنندگان از آن، در آن مکانهای مقدس فراهم آورنده را از دعای خیر فراموش نکنند.

ص: ۲۵

عربستان سعودی:

عربستان سعودی کشوری است پادشاهی، دارای سرزمینی به مساحت دومیلیون و دویست و پنجاه هزار کیلومتر مربع و نه میلیون جمعیت.

این کشور در جنوب غربی آسیا واقع است. از شمال به کشور اردن هاشمی، عراق و کویت، از شرق به خلیج فارس و شیخ نشینهای خلیج فارس، امارات متحده عربی و دریای عمان، از جنوب به یمن و جمهوری خلق یمن و از مغرب به دریای سرخ محدود است.

عمده نیازمندیهای مردم این کشور- چه در گذشته و چه در حال- باید از طریق واردات تأمین شود.

در آمد عمومی کشور- پیش از پیدایش منابع نفتی- از گمرک و سود خرید و فروشی بود که به وسیله زائران انجام می‌گرفت و یا مالیاتی که از حاجیان می‌گرفتند.

اما این سالها چنان در آمدهایی، در مقابل پولی که از فروش نفت به دست می‌آید، قابل ذکر نیست. از طریق صادرات نفت خام، امروز فرآورده‌های همه کشورهای جهان را در شهرهای حجاز می‌توان دید، مخصوصاً موسم حج که بازاری از ساخته‌های سراسر دنیا برای حاجیان آماده می‌شود.

پادشاهی در عربستان سعودی موروثی است و شخص پادشاه بر وزیران ریاست دارد.

ص: ۲۶

نقشه عربستان؟؟؟

ص: ۲۷

پایتخت پادشاهی عربستان ریاض، و یکی از بنادر مهم آن بندر جده، و شهرهای مهم دینی این کشور مکه و مدینه است.
مردم عربستان سعودی- جز اندکی کارشناسان خارجی و کارگران که در غیر سرزمین‌های مقدس به سر می‌برند- مسلمان‌اند. در شهرهای مکه و مدینه کسی جز مسلمان اجازه درآمدن ندارد.

مذهب:

چنانکه نوشتیم ساکنان عربستان سعودی مسلمانند، اما در فروع، پیرو مذهب احمد بن محمد بن حنبل (م- ۲۴۲) و در اصول اعتقاد، پیرو مکتب ابوالحسن اشعری (م- ۳۳۰) هستند.
کلام اشعری بر خلاف کلام شیعه و معتزلی به عقل توجهی ندارد و ظاهر حدیث‌های رسیده از پیغمبر و نیز ظاهر آیه‌های قرآن را حجت می‌داند.

محمد بن عبدالوهاب کیست و چه می‌گفت؟

محمد در شهر «عُیَیْنَه» از بلاد «نجد» متولد شد. فقه حنبلی را از پدر خود آموخت، سپس در بلاد اسلام گردشها کرد، علوم دینی را از علمای متعدد فرا گرفت و سرانجام بر اثر خواندن کتابهای ابن تیمِیَّه (۶۶۱- ۷۲۸) و شاگرد او ابن قَیِّم (۶۹۱- ۷۵۱) روش آنان را پذیرفت. این دو در اصطلاح، معروف به «ظاهری» هستند، یعنی بر ظاهر معنای قرآن و

ص: ۲۸

احادیث اعتماد می کنند.

محمد پس از گردش در بلاد اسلامی، به زادگاه خود برگشت و به نشر افکار و اعتقادات خویش پرداخت. مذهب او با مخالفت گروهی از علما در داخل و خارج عربستان روبرو گردید، ولی در نجد پیروانی یافت.

محمد بن سعود سر سلسله خاندان سعودی که در دهکده دَرْعِیَه (نزدیک ریاض فعلی) اقامت داشت، بدو گروید، پس از او، خاندان سعودی یکی پس از دیگری، ترویج مذهب وهابی را به عهده گرفتند.

در عربستان سعودی حلّ و فصل دعاوی و خصومات به دست قاضیان است و قدرت قضائی در دست علمائی است که تربیت شده به روش محمد بن عبدالوهاب‌اند.

در عربستان سعودی پیروان دیگر مذاهب اسلامی نیز وجود دارند و از جمله در مدینه، مکه و قطیف اقلیت شیعه زندگی می کنند.

مکه معظمه

تاریخ مکّه:

ص: ۲۹

مکه معظمه

ص: ۳۰

ص: ۳۱

تاریخ مکّه:

مکّه: «بکّه»، «بلد حرام»، «بلد امین»، «حرم امن»، «امُّ القُری»، «مرکز ظهور دین اسلام»؛ سرزمینی که گذشته از شرافت و قداستی که از آغاز خلقت و بخصوص از عهد ابراهیم علیه السلام یافته است، نخستین آیه‌های قرآن کریم نیز در آنجا به رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرود آمد و تا سیزده سال ادامه داشت.

نخستین گروه در آنجا به مسلمانی گرویدند و بسیاری از آنان در راه دین خود آسیب‌ها دیدند. سرزمینی که زادگاه رسول صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام است.

این شهر امروز یکی از شهرهای کشور عربستان سعودی و مهمترین و مشهورترین شهر آن کشور است. مکه در طول ۳۹ درجه و ۴۹ دقیقه و عرض ۲۱ درجه و ۲۵ دقیقه و در ارتفاع ۳۳۰ متر از سطح دریا قرار دارد. (۱) شهر مکه را رشته کوههای متعدد فراگرفته است چنان که تا نزدیک شهر ساختمانهای آن

۱- بر اساس نوشته دائرةالمعارف بریتانیا. اما در مرآةالحرمین ۳۷ درجه و ۵۴ دقیقه طول و ۲۸ درجه و ۲۸۰ دقیقه عرض جغرافیائی است مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۱۷۸ و در معجم معالم‌الحجاز ۳۸ درجه و ۳۰ دقیقه طول و ۲۱ درجه و ۳۰ دقیقه عرض ثبت شده است. ج ۸، ص ۲۴۴.

ص: ۳۲

را درست نمی‌توان دیـد. اگر کوههای گرداگرد مکه را از جانب شـمال آغاز کنیم و به طرف غرب دور بزنیم، نخست به کوه «فَلج» یا «فَلق» سپس به کوههای «قُعَیْقِعان»، «هِنْدِی»، «لَعْلع»، «کَدّاء» در بالای مکه می‌رسیم.

از جانب جنوب به طرف شرق، کوههای ابوحدیده، کُدَیْ، ابوقُبَیْس و خَندَمَه قرار دارد. (۱)

مکه در مشـرق دریای سـرخ واقع و فاصـله آن تا بندر جده هشـتاد کیلومتر است. درجه گرمای شهر در زمستان و تابستان میان ۱۸ تا ۴۷ درجه بالای صفر است.

شمار ساکنان دائمی مکه را در سال ۱۴۰۲ سیصد هزار تن نوشته‌اند (۲) ودر موسم‌حج به بیشتر از یک میلیون و نیم می‌رسد.

مردم شـهر، بلاـ استـثنا مسـلمانند و این سـنت از زمان نزول سوره مبارکه برائت تا امروز رعایت می‌شود. از مغرب زمینیان کسانی که خود را به مکه و مدینه رسانده سپس درباره این دو شهر کتاب نوشته‌اند، مسلمان بوده و یا بظاهر ادعای مسلمانی کرده‌اند.

مکه تاریخی قدیم و طولانی دارد، بطلمیوس نام آن را «مَکْرُبا» نوشته است (۳) و احتمال می‌دهند این کلمه از لهجه

۱- مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۱۷۸ و رجوع کنید به دائرة المعارف فرید وجدی ذیل مکه.

۲- نشریه وزارت اطلاعات عربستان سعودی. لیکن در این ده سال مانند بسیاری از شهرها جمعیت مکه افزایش یافته است.

۳- دائرةالمعارف بریتانیا.

ص: ۳۳

سبائیان- ساکنان جنوب عربستان- است که معنی مقدس و محترم می‌دهد (۱) هر چند این شهر از هزاران سال پیش به قداست معروف بوده است، اما از سراسر این تاریخ جز آغاز و آخر آن، به درستی روشن نیست. به موجب قرآن کریم نخستین کس ابراهیم علیه السلام بود که خانواده خود را در این سرزمین بی آب و علف جای داد. ابراهیم علیه السلام به خدای خود چنین گفت:

«پروردگارِ ما! من تنی چند از فرزندانم را در درّه‌ای که رویندگی ندارد نزدیک خانه با حرمت تو جای دادم. ای پروردگار ما! تا نماز را برپا دارند.» (۲)

و درباره شهر مکه از خدا چنین خواست:

«پروردگار من! این شهر را ایمن گردان و از مردم آن، آنان را که به خدا و روز رستاخیز گرویده‌اند، از ثمره‌ها روزی کن.» (۳)

از دوره ابراهیم تا آنگاه که مهاجران جنوب عربستان در مکه سکونت کردند، بر این شهر چه گذشته است؟ خدا می‌داند، تاریخ آن بدرستی روشن نیست. جز آنکه در این فترت طولانی، از تیره‌ای که بر آن مسلّط شدند و عمالیق نام

۱- تاریخ عرب پیش از اسلام. فیلیپ حِتّی، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲- ابراهیم: ۳۷.

۳- بقره: ۱۲۶.

ص: ۳۴

داشتند سخن رفته‌است.

نقشه ص ۴۰؟؟؟؟؟

(دوصفحه‌ای)

ص: ۳۵

ص: ۳۶

عماليق: يا عمالقه (صحرا نشينان) كه نام آنان در سفرهاى پيدايش اعداد، سموئل و جايهاى ديگر تورات آمده، گروهى بيابان‌گرد و جنگجو بودند كه با بنى‌اسرائيل دشمنى داشتند و چند بار ميان آنان و اين قوم درگيرى پيدا شده است. در سده چهارم ميلادى بر اثر به هم خوردن اوضـاع اجتمـاعى و اقتصادى جنوب عربسـتان، دسـته‌هائى از مردم جنوب به ديگر نقاط شـبه جزيره مهاجرت كردنـد. تيره‌اى كه به نام جُرْهُم معروف بودنـد، در مكه ساكن شدنـد و كار شـهر را به دست گرفتنـد، سـپس تيره جنوبى ديگرى بنام خُزاعَه جرهم را به كنار زد و خود بر شهر مسلط شد. (۱)

در آغاز سـده شـشم ميلادى (احتمالًا) قُصَىِّ فرزنـد كِلاب كه جدّ اعلاى رسول اكرم است قبيله خزاعه را به كنار زد و خويشاوندان خود، قُريش را كه در بيابان‌ها و دره‌هاى بيرون مكه مى‌زيسـتند به شهر در آورد و رياست شهر را به دست گرفت (۲) و دارالندوه را تأسيس كرد.

دارالنَّدْوَه آن روز نخستين و تنها مجلس مشاوره در سراسـر عربسـتان به شمار مى‌رفت، اين مجلس سپس منزلگاه خلفا و امرا گرديد، سپس اندك بناى آن رو به ويرانى نهاد و سرانجام جزو مسجد گرديد. و امروز هيچ نشانى از آن نمانده است.

حاكمان مكه:

۱- رجوع شود به تاريخ تحليلى اسلام از نگارنده، ص ۲۲.

۲- تاريخ تحليلى اسلام، ص ۳۴.

ص: ۳۷

حاکمان مکه:

چون یثرب (مدینه) مرکز حکومت اسلامی گردید و در سال هشتم هجری مکه گشوده شد، پیوسته از جانب پیغمبر صلی الله علیه و آله و یا از سوی خلفا حاکمانی برای اداره کار مکه گماشته می‌شد. (۱)

پس از مرگ معاویه در سال شصتم هجری، عبداللَّه بن زبیر خود را خلیفه خواند و مکه را مرکز خلافت قرار داد. در سال شصت و چهارم هجری از سوی شام حُصَیْن بن نُمَیْر مأمور سرکوبی عبداللَّه بن زبیر گردید.

حُصَیْن شهر مکه و خانه کعبه را زیر سنگ باران منجنیق گرفت اما در این هنگام یزید مُرد و حصین به شام بازگشت.

چون عبدالملک بن مروان خلافت یافت، در سال ۷۳ هجری حجاج بن یوسف را مأمور سرکوبی ابن زبیر ساخت.

حجاج مکه را محاصره کرد. خانه کعبه را با سنگ پرتاب، ویران ساخت و سرانجام ابن زبیر را کشت و به دار آویخت. (۲)

ظاهراً خرابی خانه کعبه در حد آسیب به دیوارها بوده است. لیکن در علل‌الشرائع حدیثی از ابان بن تغلب آمده است که حجاج خانه را ویران کرد و مردم خاک آن را بردند. چون خواستند دیگر بار کعبه را بسازند ماری بزرگ پدید آمد و مانع آنان شد، حجاج از مردم چاره خواست، او را به امام علی

۱- رجوع شود به معجم الانساب زمباور. فصل حاکمان مکه. نیز رجوع شود به‌مرآةالحرمین، ج ۱، ص ۳۵۵.

۲- معجم‌الانساب، فصل حاکمان مکه.

ص: ۳۸

ابن‌الحسین علیهما السلام راهنمائی کردند و حضرتش فرمود: «باید خاک‌ها به جای خود برگردد.» حجاج از مردم خواست تا آنچه از خاک برداشته‌اند برگردانند. چون چنین کردند امام پیش رفت و اساس خانه را نهاد. (۱) از این پس تا سال ۱۳۲ که مکه در اداره امویان بود حاکم این شهر از جانب خلیفه دمشق تعیین می‌شد و در طول خلافت امویان بیست و هفت تن به اصالت و یا به نیابت حکومت مکه را یافتند. در دوره عباسیان از سال ۱۳۲ تا سال ۳۰۶ حاکم مکه از جانب بغداد معین می‌شد. (۲) و گاهی حاکمی از وضع آشفته بغداد استفاده می‌کرد و ادعای استقلال می‌نمود.

در آغاز قرن چهارم هجری (سال ۳۱۷) قرامطه که فرقه‌ای از اسماعیلیه‌اند و مرکز آنان جنوب عربستان بود، بر این شهر مسلط شدند. این دسته که مردمی تندخو، ماجراجو و به ظاهر اسلام بی‌اعتنا و در احکام شرع معتقد به تأویل بودند، مکه را ویران کردند. پس از خاموش شدن فتنه قرمطیان، و کوتاه گشتن دست آنان از شهر مکه، تقریباً مدت ده قرن (تا استیلای آل سعود بر حجاز) خانواده‌های مختلفی حکومت مکه را به دست گرفتند، این حکومت‌ها بر حسب توسعه سلطه مرکز خلافت بغداد، قاهره یا استانبول بظاهر از خلفای عباسی، فاطمی و یا عثمانی متابعت می‌کردند و گاه خود حکومتی

۱- علل الشرائع، ص ۴۴۸.

۲- فرید وجدی، ذیل کلمهٔ مکه، دائرهٔ‌المعارف فرانکلین ذیل‌عربستان، مرآهٔ‌الحرمین، ج ۱، ص ۳۵۵.

ص: ۳۹

مستقل داشتند. پس از تأسیس دولت سعودی پیوسته حکومت شهر مکه را یک تن از خاندان پادشاهی عهده‌دار می‌شود.

مسجدالحرام:

مسجدالحرام:

نام مسجد گرداگرد خانه کعبه است. این مسجد قدیمی‌ترین و معروف‌ترین مسجد در تاریخ اسلام بشمار می‌رود و یکی از مسجدهایی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است باید به سوی آن کوچ کرد. (۱) چنانکه در تاریخ کعبه نوشته‌ام، این خانه هزاران سال پیش ازاسلام ساخته شد. مسلّم است که در همان روزگار و یا لااقل سالیانی پس از آن، گرداگرد خانه کعبه فضائی می‌بوده است، و زیارت کنندگان خانه در آن فضا گرد می‌آمده‌اند و یا از آنجا به زیارت خانه می‌رفته‌اند، اما نام مسجد و مسجدالحرام در اسلام بدان محوطه داده شده است.

«و مسجدالحرام که آن را برای مردمان قرار دادیم، مقیم یا مسافر». (۲) مساحت این فضا پیش از اسلام و در آغاز فتح مکه، چه مقدار بوده است؟ بدرستی معلوم نیست. تاریخ نشان می‌دهد تا پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله هم، مردم خانه‌های خود را

۱- لا تُشدُّالرِّحالُ الّاالی ثلاث مساجد وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۲۵؛ مسنداحمد، ج ۲، ص ۲۳۴.

۲- حج: ۲۵.

ص: ۴۰

نزدیک به خانه کعبه می‌ساختند و بدین ترتیب فضای مسجد را می‌گرفتند. عُمَر آنان را از این کار بازداشت و گفت کعبه خانه خداست و هر خانه فضای خارجی می‌خواهد. این فضا پیش از شما بوده و شما بدان در آمده‌اید. آنگاه خانه‌هایی را خرید و داخل مسجد درآورد.

خانه کسانی را هم که حاضر به فروش نشدند ویران کرد و بهای آن را برای صاحبان خانه نگاهداشت، تا سرانجام به‌گرفتن آن راضی شدند. عمر برای مسجد دیواری ساخت به‌طول یک قامت، که بر سر آن دیوار چراغها را می‌گذاشتند.

سپس عثمان خانه‌های دیگر را به بهای گران خرید و به مسجد افزود. کسانی را که نمی‌خواستند خانه‌های خود را بفروشند نکوهش کرد و به زندان انداخت و به آنان گفت: «شما از مدارای من سوء استفاده می‌کنید». گویند عثمان نخستین کسی بود که برای مسجد رواق ساخت. (۱)

چون عبداللَّه بن زبیر خود را خلیفه خواند و مکه را محل اقامت کرد، دیوارهای مسجد را مرمت نمود اما بر وسعت مسجد نیفزود.

در دولت امویان عبدالملک پسر مروان و فرزند عبدالملک ولید، که به ایجاد ساختمان علاقه‌ای بسیار داشت در ترمیم، وسعت و زیبائی مسجد کوشیدند، و به دستور

۱- معجم‌البلدان. یاقوت. ذیل مسجدالحرام و رجوع کنید به دائرةالمعارف فرید وجدی.

ص: ۴۱

عبدالملک دیوار مسجد را بالاـتر بردند. در دولت عباسیان نیز چندتن از خلفا، مسجدالحرام را وسیع‌تر کردند و در زیبایی آن کوشیدند. به خصوص مهدی عباسی که در سال ۱۶۰ هجری به مکه رفت و خانه‌های بسیاری را خرید و داخل مسجد کرد. او کوشید که در این نوسازی، خانه کعبه در وسط مسجد قرار گیرد.

نوشته‌اند مهدی خود بر کوه ابوقُبَیْس بالا رفت تا بنگرد و مطمئن شود که خانه در مرکز مسجد قرار گرفته است. (۱)

در سال ۳۳۲ هجری بعضی ستونهای رواق گرداگرد مسجد را تغییر دادند و ستونهای سنگی زرد رنگ در آن بکار بردند. در دیوارها و راهروها نیز سنگ‌های مرمر نصب کردند و حِجر اسماعیل را با مرمرِ سبز، فرش نمودند و سنگی را که جای پای ابراهیم علیه السلام است (مقام ابراهیم) در زر گرفتند. اما تعمیرها و ترمیم‌های اساسیِ مسجدالحرام در دوره عثمانیان بود.

سلطان سلیمان قانونی معمار مشهور و سازنده مسجد سلیمانیه استانبول (سنان) را به مکه فرستاد تا برای نوسازی خانه نقشه‌ای تهیه کند. ولی سلیمان خود موفق به اجرای آن نقشه نشد. در سال ۹۹۰ هجری یکی از معماران ترکیه به نام محمد آغا صحن مسجد را وسعت داد و مساحت آن را به

۱- دائرةالمعارف فرید وجدی، ذیل مکه، مکه مکرمه. ترجمه آقای احمد آرام ص ۱۴۹.

ص: ۴۲

بیست و پنج هزار مترمربع رسانید. در این نوسازی درهای مسجد را که نوزده در بود از نو ساختند. رواقهای مسجد و اطراف حرم را با ستونهای مرمر و ستونهایی از سنگ زرد تعویض کردند.

سپس در سال ۹۹۴ یکی از نقاشان ترک داخل گنبد و رواق‌ها را با نقش‌ها و خطهای خوش تزیین کرد. هر یک از امامان مذهب‌های چهارگانه سنت و جماعت: شافعی، مالکی، حنفی و حنبلی در داخل مسجد برای خود مقامی داشتند. سالی که صحن مسجد را نوسازی کردند (۹۹۴) مقامهای این پیشوایان را نیز به‌شکل کوشک ساختند. (۱) این مقامها تا آغاز حکومت سعودیان بر حجاز، وجود داشته است، مخبرالسلطنه در سفرنامه خود از این مقام‌ها نام برده و از این که مذهب شافعی- چون نزدیک‌تر به حقیقت (مذهب شیعه) است- مقامی ندارد، دریغ می‌خورد. (۲)

پس از تأسیس حکومت عربستان سعودی در دوره ملک عبدالعزیز و ملک فیصل تغییرات مهمی در مسجدالحرام صورت گرفت. دولت عربستان سعودی با هزینه‌ای در حدود هشتصد میلیون ریال (سعودی) مساحت مسجد را از بیست و هفت هزار به یکصد و هشتاد هزار متر مربع رسانید. در این نوسازی بر درهای مسجد نیز تعدادی افزودند و اکنون مسجد

۱- مکه مکرمه، ص ۱۷۹.

۲- سفرنامه، ص ۱۵۹.

ص: ۴۳

دارای شـصت و دو در بزرگ و کوچک است. سه در اصلی و بزرگ به نامهای: «باب ملک عبدالعزیز»، «باب العمره»، «باب السلام» معروف است. بر هر یک ازاین سه در، دو مناره به ارتفاع ۹۲ متر با قاعده‌ای به ابعاد ۷* ۷ متر قرار دارد و بر تارک هر منار هلالی به ارتفاع ۶/ ۵ متر از برنز طلا کاری است.

هفتمین منار مسـجد بر «باب الصفا» است. در کنار آن سقفی دارای قبه است که قطر خارجی آن ۳۵ متر است و بر این قبه نیز هلالی برنزی طلا کاری شده، قرار دارد.

گرداگرد مسـجد، رواق دو طبقه است و مسجد با وسعت فعلی گنجایش پانصد هزار نمازگزار دارد. در سالهای اخیر بتدریج قسمتی دیگر از محوطه خارج مسجد را ضمیمه مسجد کرده‌اند که در حال حاضر (۱۴۱۲ هجری قمری) در دست ساختمان است.

تصویر ص ۴۹؟؟؟

ص: ۴۴

خانه کعبه:

خانه کعبه:

«خداونـد، خانه کعبه، بیت‌الحرام را قوام کار مردمان گردانیـد.» (۱) کعبه، بیت‌اللّه‌الحرام، بیت‌العتیق، بیت‌اللّه، خانه خـدا، دومین قبله مسلمانان (۲) ساختمان چهار گوشه مسـقفی است در داخل مسـجدالحرام. نمای ظاهری خانه از سـنگ سبز مایل به خاکستری است که از کوههای مکه آورده‌اند. خانه کعبه در

تصویر ص ۵۰؟؟؟ تمام مدت سال با پرده‌ای سـیاه که حاشیه فوقانی آن قلاب دوزی شده (۳) پوشیده است. بنای خانه کعبه بر روی پایه‌ای از

۱- مائده: ۹۷.

۲- قبله نخسـتین، مسـجد اقصـی یـا بیت‌المقـدس است. هفـده مـاه پس ازهجرت رسول اللّه صـلی الله علیه و آله به مـدینه، به موجب آیه‌های قرآن کریم قبله مسلمانان به سمت کعبه تغییر یافت. رجوع به ذیل مسجد ذوالقبلتین در همین کتاب شود.

۳- رجوع به ذیل عنوان «پوشش کعبه» شود.

ص: ۴۵

سنگ مرمر به ارتفاع ۲۵ سانتی متر است و آن پایه را شاذروان می گویند. ساختمان مربع شکل خانه کعبه با زاویه‌های آن، چنان است که بتواند فشار بادهای سخت را بشکند و خانه را از آسیب نگاه دارد.

تصویر ص ۵۲؟؟؟ بلندی خانه کعبه تقریباً ۱۵ متر است. ضلع غربی (که

ص: ۴۶

میزاب در آن قرار دارد) دوازده متر و پانزده سانتیمتر است و ضلع شرقی پانزده متر و نود و دو سانتی متر و طول ضلع جنوبی ده متر و بیست و پنج سانتی‌متر است. (۱)

دَرِ خانه بر ضلع شرقی قرار دارد و بلندی آن از زمین دو متر است. برای در آمدن به‌خانه، باید از نردبان استفاده شود.

دَرِ خانه کعبه در تمام مدت سال بسته است، مگر هنگامی که بخواهند داخل خانه را شست و شو کنند (این مراسم در این سالها معمولًا در روز هفتم ذوالحجه برگزار می گردد) (۲) و یا شخصیت‌های بزرگ اسلامی را به زیارت درون خانه مشرف سازند. اما در سالهای پیش، گاه خادمان کعبه در مقابل دریافت پول از زائران، رخصت می‌داده‌اند تا به درون خانه بروند. (۳)

رکن‌ها:

رکن‌ها:

اگر خطهایی از مرکز کعبه به چهار گوشه آن امتداد دهیم این خطوط در امتداد جهت‌های چهارگانه اصلی قرار می گیرد، و این گوشه‌ها رکن نام دارد. هر یک از چهار ضلع خانه یا چهار رکن آن به نامی موسوم است. رکن شمالی را «عراقی»، رکن

۱- مأخذ نویسنده، مرآةالحرمین، ج ۱، ص ۲۶۳ است، در بعض مأخذها حدود چند سانتی متر در طول ضلع‌ها اختلاف دیده می‌شود.

۲- در برخی سالها به مناسبت‌هایی روز انجام مراسم شست و شو تغییرمی‌یابد، چنانکه در سالهای پیش شست و شو در بیستم ذی‌حجه انجام می گرفت و امسال که سال ۱۴۱۲ هجری قمری است مراسم روز اول ذی‌حجه بود.

۳- دائرةالمعارف فرید و جدی، ج ۸، ص ۱۴۶.

ص: ۴۷

غربی را «شامی»، رکن جنوبی را «یمانی» و رکن شرقی را «اسود» می‌نامند. این رکن را اسود گویند، چون حجرالاسود در آن است. درون خانه کعبه مربع شکل و مسقف است. و کف خانه با سنگ مرمر سفید و سیاه فرش شده، در وسط آن سه ستون از چوب عود قرار دارد که بسیار گرانبهاست و گویند از عهد عبداللَّه بن زبیر همچنان باقی است. (۱) سقف و دیوارهای خانه از پرده‌های حریر سرخ پوشیده شده است. (۲) این سقف در دوره سلطان عثمانی به سال ۹۵۹ تعمیر شده. پرده‌ها را سلطان عبدالعزیز از پادشاهان عثمانی در آنجا آویخته است. بر دیوارهای درونی خانه لوحه‌ها نصب شده که نام تعمیر کنندگان و یا هدیه کنندگان زیور در آنها ثبت شده است. (۳)

حجرالاسود:

حجرالاسود:

حجرالاسود در رکن شرقی به ارتفاع یک متر و نیم از زمین قرار گرفته است و آن سنگی است سیاه مایل به سرخی، بیضی شکل به قطر سی‌سانتی‌متر که در آن نقطه‌های قرمز دیده می‌شود و در پوششی از نقره است و علامت

۱- همان مآخذ، ص ۱۴۴.

۲- دائرةالمعارف فرید وجدی، ج ۸، ص ۱۴۵.

۳- دائرةالمعارف، ج ۸، ص ۱۴۵. در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی نویسنده به‌شرف زیارت درون کعبه مشرف شده، همانگونه است که وصف گردیده.

ص: ۴۸

شکستگی دارد، علت این شکستگی آسیب‌هایی است که در طول زمان بر این سنگ مقدس وارد آمده است. نخستین آسیبی که تاریخ اسلام آن را نشان می‌دهد ضربه‌هایی است که به وسیله سنگ پرتاب، هنگام محاصره حجاج بن یوسف ثقفی بدان رسید. دیگر شکستگی‌های آن از فتنه قرامطه است. در این فتنه، قرمطیان بر مکه تاختند. مردمِ آن را کشتند.

به خانه کعبه بی‌حرمتی کردند و حجرالأسود را با خود به بحرین بردند.

تصویر ص ۵۵؟؟؟

ص: ۴۹

حجرالأسود مـدت بیست و دو سال در بحرین قرار داشت و سـپس در سال ۳۲۹ هجری قمری نخست به کوفه و سپس به مکه منتقل شد و روز سه شنبه دهم‌ذوالحجه همان سال در محل خود نصب گردید.

میزاب:

میزاب:

ناودان یا میزاب، بر بام خانه بین رکن شـمالی و غربی و بر فراز جایی است که بنام حجر اسماعیل است. گویند این ناودان را نخست حجـاج بن یوسف نهـاد تـا بـاران بر بام خانه جمع نشود، سـپس ولیـد بن عبـدالملک آن را در زر گرفت. به سال ۴۵۵ هجری قمری بنوالطیب آن را به یمن بردند که حاکم یمن آن را خرید و به مکه برگرداند.

تصویر ص ۵۶؟؟؟

ص: ۵۰

به سال نهصد و پنجاه و نه هجری قمری سلطان سلیمان قانونی، میزاب را از نقره ساخت و به سال ۱۰۲۱ سلطان احمد آن را به ناودانی از نقره منقش به طلا و مینا و لاجورد تبدیل کرد. در سال ۱۲۷۳ سلطان عبدالمجید میزابی از طلا برای خانه کعبه فرستاد که هم اکنون باقی است.

حطیم و حجر اسماعیل:

حطیم و حجر اسماعیل:

درباره تحدید حطیم اختلاف است. بیشتر اهل سنّت به مقابل دیواری که حجر اسماعیل نامیده می‌شود حطیم می‌گویند ولی شیعیان حطیم را میان حجرالاسود و مقام ابراهیم و در کعبه می‌دانند حجر اسماعیل با دیواری به‌ارتفاع ۳۱/ ۱ محدود است.

مؤلف معجم معالم‌الحجاز می‌نویسد: امروز نزد مردم مکه معروف است که حطیم میان رکن و زمزم و مقام ابراهیم است که طواف از آنجا آغاز می‌شود. (۱)

ملتزم:

ملتزم:

آن قسمت از دیوار خانه که پشت دیوار کعبه نزدیک رکن یمانی واقع است «ملتزم» نام دارد. آن را ملتزم گویند؛ چون حاجیان خود را موظف می‌دانند که در آنجا دعا کنند.

۱- معجم معالم‌الحجاز، ج ۳، ص ۲۸.

ص: ۵۱

مطاف و مقام ابراهیم:

مطاف و مقام ابراهیم:

آن مقدار از زمین سنگ فرش که گرداگرد خانه کعبه است و فقها فاصله آن را از دیوار خانه تا بیست و شش ذراع و نیم دانسته‌اند و طواف باید در بین این مساحت انجام گیرد، مطاف نام دارد. به دور این سنگ فرش، سنگ فرش دیگری است اندکی بلندتر از سنگ فرش نخستین. بر روی این سنگ فرش جایگاهی با ستونهای باریک دیده می‌شود که انتهای آن باب بنی شیبه بوده است. میان این جایگاه و خانه کعبه بنایی با قبه‌ای کوچک دیده می‌شود که مقام ابراهیم نام دارد. و آن سنگی است که جای پایی در آن دیده می‌شود. این جای پا منسوب به ابراهیم علیه السلام است.

تصویر ص ۵۸؟؟؟

ص: ۵۲

تاریخ خانه کعبه:

تاریخ خانه کعبه:

قرآن کریم می‌فرمایـد: ابراهیم و فرزنـدش اسـماعیل اساس خانه کعبه را نهادند، (هنگامی که ابراهیم و اسـماعیل پایه‌های خانه را بر می‌افراشتند.) (۱) و چون سـاخته شـد به ابراهیم دسـتور رسـید که: «خـانه را برای طواف کننـدگان و اقامت کننـدگان و نمازگزاران پاکیزه سازد.» (۲)

و چون خانه پرداخته شد، خداوند به ابراهیم فرمود:

«مردمان را برای زیارت خانه بخواند.» (۳)

از این زمان تا صدها سال پس از ابراهیم و اسماعیل تاریخ خانه کعبه در ابهام و تاریکی است.

بعضـی جغرافی‌دانهای مسلمان نوشته‌اند: در یکی از دوره‌ها، این خانه به دست عمالیق بود، اما این عمالیق یا عمالقه که جمع است و مفرد آن عملاق می‌باشد چه کسانی بوده‌اند؟

گفته‌اند گروهی صـحراگرد و جنگجو بودند که بااسـرائیلیان دشمنی داشتند. در بعضی داستانها این قوم از جمله نخستین گویندگان به زبان عرب به شمار می‌آیند.

کعبه اندکی پیش از اسلام:

کعبه اندکی پیش از اسلام:

از سده پنجم میلادی تا عصر ما، تاریخ خانه کعبه روشن است؛ چنانکه در تاریخ مکه نوشته شده: نخست قبیله جُرْهُم و

۱- بقره: ۱۲۷.

۲- حج: ۲۶.

۳- حج: ۲۷.

ص: ۵۳

پس از آن قبیله خُزاعه تولیت حرم را در دست گرفت. تا آنکه قصی بن کلاب نیای پنجم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که از عرب عدنانی (تیره‌هایی که در شمال شبه جزیره عربستان می‌زیستند) احتمالًا در آغاز قرن ششم میلادی در صدد برآمد دست خزاعه را از ریاست شهر مکه و تولیت حرم کوتاه کند و کسان خود (قریش) را بر سر کار آورد. وی این تیره را که تا آن روزگار در کوهها و دره‌های بیرون مکه می‌زیستند در ابطح یا بطحاء (۱) سکونت داد، تولیت خانه را که مرکب از منصب‌های پرده‌داری و پذیرایی و آب دادن حاجیان، و پرچم‌داری بود به دست گرفت.

پس از قصی بر سر منصب‌ها، میان فرزندان او درگیری پدید شد، سرانجام آن را میان خود تقسیم کردند.

کلیدداری، علم کعبه و ریاست دارالندوه به فرزندان عبدالدار و آب دادن حاجیان و مهمانداری آنان، به فرزندان عبد مناف رسید.

نوشته‌اند عبدالمطلب از فرزندان عبدمناف نخستین کسی است که بر خانه کعبه زیور بست.

تاریخ‌نویسان آورده‌اند که چون عبدالمطلب زمزم را کاوش کرد، دو آهو از زر ناب دید و آن را زیور خانه ساخت (۲) لیکن چنان که ذیل عنوان «پوشش خانه»

۱- ابطح در لغت به معنی، رفتگاه آب و سیل است که در آن سنگریزه بسیارباشد و به معنی خاص کلمه، جائی است میان مکه و منی.

۲- مرآۃالحرمین، ج ۱، ص ۲۷۷. تاریخ طبری، ص ۱۱۳۴ چاپ بریل.

ص: ۵۴

خواهیم نوشت، گویا فرستادن زیور به خانه کعبه تاریخی درازتر دارد.

پس از اسلام، ارتفاع خانه کعبه چندان بلند نبوده است (به‌اندازه قامت انسان) و انتهای در کعبه با سطح زمین مساوی بوده است، چنانکه اگر سیل به داخل حرم سرازیر می‌شده به درون خانه می‌رفته است. هنگامی که حضرت محمّد سی و پنج ساله بود (پنج سال پیش از بعثت) سیلی بزرگ کعبه را ویران ساخت. قریش با مشورت یکدیگر در صدد برآمدند خانه را نوسازی کنند. چوبهای کشتی شکسته‌ای از بیزانطیان را که در ساحل دریای سرخ افتاده بود خریدند و برای ساختن خانه به کار بردند. برای خانه سقفی ساختند و برای جلوگیری از سیل، درِ خانه را از سطح بالاتر قرار دادند. و چون ساختمان به موضع رکن و نصب حجرالاسود رسید بر سر کار گذاشتن آن، میان ایشان خصومت در گرفت. مهتر هر قبیله‌ای می‌خواست این شرف از آن او باشد. نزدیک بود با یکدیگر درگیر شوند ولی سرانجام به‌داوری گردن نهادند. مقرر شد هر کس که از در درآید آنچه گوید بپذیرند. نخست کسی که در آمد محمدامین بود. گفتند او امین است و ما به داوری او راضی هستیم. چون داستان را با حضرتش در میان نهادند گفت پارچه‌ای بیاورید و سنگ را در میان آن بنهید، سپس مهتر هر قبیله را فرمود تا گوشه‌ای از پارچه را بگیرد و بالابرد و چون سنگ را بدین ترتیب تا موضع نصب

ص: ۵۵

بالا بردند، محمد صلی الله علیه و آله آن را برگرفت و بر جای نهاد و بدین کار از خونریزی بزرگی جلوگیری کرد. (۱)

پیش از ظهور دین اسلام، بعض قبیله‌ها در داخل خانه کعبه بتی از آنِ خود داشتند که پس از فتح مکه به امر رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن بت‌ها و نیز بت‌های دیگر که در نقاط نزدیک شهر قرار داشت، شکسته و نابود شد.

بت‌های داخل خانه کعبه را علی علیه السلام بر زمین افکند و خرد ساخت.

پس از فتح مکه تا حکومت معاویه، کعبه تغییری نیافته است. از سال شصتم هجری که عبداللّه بن زبیر خود را خلیفه مسلمانان خواند و مکه را مرکز خلافت خود قرار داد به فکر تغییری در خانه برآمد.

و دری دیگر مقابل در موجود در خانه برآورد و حجراسماعیل را داخل خانه ساخت.

چون حجاج بن یوسف ثقفی از جانب عبدالملک ابن مروان مأمور سرکوبی او گردید، پس از کشتن ابن زبیر خانه را به حالت اول برگرداند (سال ۷۴).

به سال ۹۶۰ هجری سلطان سلیمان خلیفه عثمانی سقف خانه را تغییر داد.

سلطان احمد در سال ۱۰۲۱ خانه را مرمت کرد. پادشاهان

۱- تاریخ طبری. همان مجلد، ص ۱۱۳۶.

ص: ۵۶

عثمانی هم زمان با نوسازی مسجدالحرام می‌خواستند خانه کعبه را نیز نوسازی کنند، اما پیشوای شافعیان رخصت چنین کاری را نمی‌داد. می گفت خراب کردن خانه در صورتی جایز است که بنای آن ویران شود. در سال ۱۰۳۹ هجری سیلی در بنای خانه رخنه کرد و مجوزی برای تجدید بنا پیش آمد و خانه را نوسازی کردند. در این تجدید بنا پیشوایان چهار مذهب و گروهی از قاضیان و دیگر مردم در آوردن سنگ شرکت نمودند و تا آنجا کندند که به سنگ سبزی رسیدند و می گفتند: «این سنگ نهاده اسماعیل پیغمبر است.» سپس خانه را با سنگ‌های سبز مایل به خاکستری از نو بالا بردند. ستون‌های قدیمی را با محلولی از زعفران و صمغ اندودند و بنای فعلی خانه، همان بنای آغاز قرن یازدهم هجری است. (۱)

پوشش خانه:

پوشش خانه:

بر روی چهار دیوار خانه کعبه پوششی سیاه افکنده است که آن را «پرده کعبه» با پوشش خانه و یا به تعبیر دقیق آن، «کسوه» نامند.

این پوشش تا پایین دیوار خانه می‌رسد و در آنجا با حلقه‌هایی به شاذروان بسته می‌شود.

ولی در موسم (ایام حج) به خصوص روزهای نزدیک به

۱- مرآةالحرمین، صص ۷۴- ۲۶۸، ج ۱ و نیز رجوع شود به مکه مکرمه ترجمه‌آقای آرام، صص ۸۰- ۱۷۹.

ص: ۵۷

تعویض پرده، اندك اندك آن را بالا می‌برند و بر می‌چینند و به جای آن، پرده سفیدی می‌پوشانند و پس از انجام مراسم حج، پرده نو را بر آن می‌پوشانند. پوشش کعبه نیز تاریخی کهن دارد.

نوشته‌اند نخستین کسی که خانه کعبه را پرده پوشانده تُبَّع ابوبکر اسعد پادشاه حمیر بود. وی خانه را با پرده‌هایی که حاشیه نقره‌دوزی داشت پوشاند (۱) لیکن گمان نمی‌رود این داستان، اصلی داشته باشد، چه اولًا تاریخی که برای آن نوشته‌اند با دوره پادشاهی این تُبَّع تطبیق نمی‌کند، دیگر آنکه در بعض اسناد نوشته‌اند: تبع می‌خواست حجرالاسود را از کعبه به یمن ببرد ولی با مخالفت خُوَیْلِد پدر خدیجه، همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به رو گردید. و نیز نوشته‌اند: نخستین عربی که در جاهلیت خانه را پوشاند نَبیله دختر حباب مادر عباس بن عبدالمطلب بود که پوششی از حریر بر خانه خدا افکند. (۲) گفته‌اند: سبب آن این بود که پسری از وی به نام خوارا گم شد و در پی او می‌گشت و نذر کرد که اگر وی را بیابد کعبه را پرده بپوشاند. مردی از جذام پسر را یافت و بدو رساند و او هم به نذر خویش وفا کرد.

در علل الشرائع حدیثی طولانی از امام صادق علیه السلام درباره نخستین پوشش خانه کعبه آمده است که خلاصه آن را در

۱- دائرةالمعارف فرید وجدی، ج ۸، ص ۱۴۸.

۲- مرآةالحرمین، ج ۱، ص ۲۸۲.

ص: ۵۸

این جا می‌آوریم:

زنی از حمیر پس از مرگ شوی خود، اسماعیل علیه السلام را به شوهری گرفت و از وی خواست تا پرده‌ای بر در خانه بیفکند، این پرده را به درازی دوازده زرع بافتند و بر در خانه افکندند، سپس گفت: چرا برای خانه پرده نبافیم؟ تا آن را بپوشاند که این سنگها سخت است و بد نما. اسماعیل علیه السلام اجازت بافتن داد و او پرده‌ای بافت و بر خانه افکند. مردم چون به زیارت آمدند و پرده را دیدند گفتند برای سازنده این خانه هدیه بایست آورد و این هدیه‌ها در خانه گرد آمد. (۱)

به هر حال پیش از اسلام، خانه کعبه را با پرده‌هایی می‌پوشانده‌اند، اما همه خانه را و یا قسمتی از آن را؟ به درستی روشن نیست. سالها این منصب را فرزندان قصی بن کلاب عهده‌دار بودند. پس از اسلام و پس از فتح مکه رسول اللّه خانه را با پارچه‌های یمنی پوشاند. سپس عُمَر آن را با پوششی مصری که در تنیس بافته می‌شد پوشانید. این پوششها همچنین بر روی هم انباشته می‌شد. در خلافت عمر زیور خانه بر روی هم انباشته شده بود و مسلمانان از جهت معیشت در مضیقه بودند. به وی گفتند اگر زیورهای خانه را به فروش رسانی و به بهایش سپاه مسلمانان را آماده‌گردانی ثوابش بیشتر است. کعبه را چه نیازی به زیور است؟ عمر قصد چنین کار کرد و از امیر مؤمنان علیه السلام نظر خواست امام فرمود: در روزگار رسول خدا کعبه

۱- ص ۵۸۷: منشورات مکتبهٔ الحیدری.

ص: ۵۹

زیور داشت و خدا آن را بدان حال که بود گذاشت و رسول صلی الله علیه و آله را در این‌باره حکمی نفرمود و آن از روی فراموشی نبود. تو نیز آن را همانجا بنه که خدا و پیامبر او مقرر فرمود. (۱)

مجلسی از قرب‌الاسناد، از امام صادق علیه السلام حدیث کند که امیر مؤمنان علیه السلام هر سال از عراق برای کعبه پوشش می‌فرستاد. (۲) چون مهدی عباسی به خلافت رسید خادمان کعبه از انبوهی پرده‌ها بر روی خانه شکایت کردند و گفتند بیم آن می‌رود که خانه بر اثر سنگینی این پوشش‌ها صدمه ببیند. مهدی دستور داد پرده‌ها را بردارند، تنها یک پرده بر آن بگذارند و سالی یکبار پرده را عوض کنند. این سنت همچنان باقی ماند و تا امروز هم ادامه دارد.

در سالهای قدرت عباسیان، خلفا پوشش کعبه را از حریر سیاه می‌دوختند. سپس پادشاهان یمن و مصر این کار را به عهده گرفتند. نوشته‌اند در سال ۵۳۲ هجری قمری یکی از ثروتمندان ایرانی کعبه را با هزینه‌ای به مبلغ هیجده هزار دینار، پرده پوشاند. (۳) و سرانجام این منصب، خاص مصر گردید و هر سال پرده کعبه را از آنجا با تشریفات خاص به همراه محمل به مکه می‌آوردند، به سال ۱۲۱۸ سعود بن عبدالعزیز آوردن محمل را منع کرد، نتیجه آنکه از سال ۱۲۲۱ تا سال ۱۲۲۹ پوشش خانه از مصر نیامد و سعود خود خانه را پرده

۱- نهج‌البلاغه، ترجمه نگارنده، ص ۴۱۱، و رجوع به الغدیر، ج ۶، ص ۱۷۷.

۲- بحار، ص ۶۰، ج ۹۶. قرب‌الاسناد، ص ۶۵.

۳- الکعبه والکسوه. احمد عبدالغفور، ص ۱۴۸.

ص: ۶۰

می‌پوشانید. نخست پرده از حریر سرخ بود، سپس به حریر سیاه تبدیل گردید.

در سال ۱۳۸۱ هجری قمری فرستادن پوشش از مصر موقوف شد و حجاز که خود از سالها پیش کارگاهی برای بافتن پوشش درست کرده بود آن را به عهده گرفت و تا امروز این رسم برقرار است.

پرده چنانکه نوشته شد از پارچه‌ای سیاه بافته می‌شود (کژ سطبر) و در حاشیه فوقانی آن آیه‌هایی از قرآن کریم که درباره خانه کعبه است قلاب دوزی می‌شود.

تصویر ص ۶۷؟؟؟

ص: ۶۱

مسجدها، جای‌های مقدس

و یا تاریخی در مکه معظمه:

کوه حِرا؛

کوه حِرا؛

که نام معروفتر آن جبل النور است، کوهی است دارای قلّه‌ای نسبتاً بلند و تیز، مقابل کوه ثبیر.

تصویر ص ۶۹؟؟؟

ص: ۶۲

در شمال مکه و به فاصله شش کیلومتر از شهر، مُشرف بر مِنا بر دامنه جنوبی کوه به فاصله ۱۶۰ متر از قله آن غاری است بنام «حراء» (۱). غار حراء یکی از جای‌های مقدس در شهر مکه است. هم از آن جهت که حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیش ازبعثت از تصویر ص ۷۰؟؟؟ مردم گوشه می‌گرفت و در آنجا با خدا خلوت می‌کرد و هم از آن جهت که نخستین آیه‌های قرآن در آن غار بر رسول خدا نازل گشت. و از روایتی که مرحوم مجلسی از کتاب انوار

۱- در تاریخ سیاسی اسلام تألیف حسن ابراهیم حسن در پاورقی کتاب‌آمده است: حرا در کوه ثور است که رسول صلی الله علیه و آله و ابوبکر در آن پنهان شدند. ج ۱، ص ۷۸ و این اشتباه است.

ص: ۶۳

شیخ بکری آورده است معلوم می‌شود ابراهیم خلیل علیه السلام در آن غار می‌خفته است. (۱)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه قاصعه فرماید: هر سال در حراء خلوت می‌گزید و من او را می‌دیدم و جز من کسی وی را نمی‌دید ... (۲)

زادگاه رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله

زادگاه رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله

یکی از جاهای مقدس در مکه که باید زیارت کرد، زادگاه پیغمبر اسلام است. اما این جای مقدس کجاست؟ این سال‌ها جایی را نشان می‌دهند که محل کتابخانه عمومی شهر مکه است.

در اصول کافی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شِعْبِ ابی‌طالب در خانه محمد بن یوسف ثقفی در زاویه‌ای از جانب چپ، کسی که به خانه درآید، متولد شد. سپس خیزران مادر هارون آن خانه را مسجدی کرد که مردم در آن نماز می‌گزاردند. (۳) چون رسول خدا از مکه به مدینه هجرت کرد، عقیل آن خانه را گرفت. سالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حج به مکه آمد (حجهْالوداع) از او پرسیدند به کدام خانه فرود می‌آیی فرمود: مگر عقیل سایبانی برای ما گذاشته است؟ این خانه همچنان در دست عقیل و فرزندان او بود تا آنکه آن را از

۱- سفینهْالبحار، ج ۱، صص ۷- ۲۴۶.

۲- نهج‌البلاغه. خطبه قاصعه، ص ۲۲۲.

۳- ج ۱، ص ۴۳۹.

ص: ۶۴

محمد بن یوسف خریدند.

لیکن بعضی مولد رسول را (عُسفان) و بعضی (ردم) نوشته‌اند. به هر حال در گذشته دور، خلیفه‌های عباسی و پادشاهان یمن و پادشاهان عثمانی مسجدی را که به مولد آن حضرت شهرت داشت آبادان نگاه می‌داشتند؛ چنانکه در سال ۱۰۰۹ ه. ق. سلطان محمد پسر سلطان مراد آن را از نو عمارت کرد و برای آن قبه و مناره ساخت و مؤذن و خادم و امام جماعت گمارد. (۱)

از مجموع روایت‌ها به نظر می‌رسد زادگاه آن حضرت در شعب بوده است. (رجوع به شعب ابی‌طالب شود.)

دار ارقم

دار ارقم

این همان منزلی است که پیغمبر و نخستین دسته‌های نومسلمان در آغاز اسلام پنهانی در آنجا گرد می‌شدند و خدا را عبادت می‌کردند. دار ارقم نزدیک کوه صفا بوده است، بیرون ازمسجد. سپس در آنجا کتابخانه‌ای ساختند این کتابخانه به‌سال ۱۳۹۵ هجری‌قمری ویران شد واکنون‌جزو میدان است. (۲)

دار الندوه

دار الندوه

دارالندوه یا مجلس مشاوره، مجلسی است که قُصَیّ بن کلاب نیای پیامبر خدا در مکه ساخت و بزرگان قریش در آن

۱- مرآةالحرمین، ج ۱، صص ۹- ۱۸۷.

۲- معجم معالم‌الحجاز، ج ۳، ص ۱۹۴.

ص: ۶۵

مجلس فراهم می‌شدند و تصمیم‌های مهم در آن مجلس گرفته می‌شد. این همان مجلسی است که سران قریش در آن گرد آمدند و برای کشتن رسول خدا به مشاوره پرداختند، لیکن پیش از آن که تصمیم آنان عملی شود رسول اکرم به مدینه هجرت کرد و علی علیه السلام را بر جای خود خواباند. دار الندوه تا پس از فتح مکه برپا بود. از آن پس محلی برای سکونت خلفا و امرا گردید که به هنگام حج در آنجا ساکن می‌شدند سپس رو به ویرانی نهاد.

معتضد عباسی به سال ۲۸۱ آن را تبدیل به مسجد کرد. به سال ۹۵۷ امیر مکه مجدداً آن را ویران ساخت و عمارتی چهارگوشه و دو طبقه برای امام و نمازگزاران ساخت. (۱) این بنا نیز به مرور زمان آسیب دید و اکنون اثری از آن نیست و زمین آن جزو مسجد است.

شِعْب ابی‌طالب

شِعْب ابی‌طالب

یا شعب ابو یوسف یا شعب بنی‌هاشم. یا شعب علی، جایی است که گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا متولد شده است. نیز جایی است که مشرکان مکه بنی‌هاشم را در آنجا محصور کردند و مردم را از دیدار و معامله با آنان منع نمودند و برای محکم ساختن کار، صحیفه‌ای نوشتند و آن صحیفه را بر دیوار

۱- فرید وجدی، دائرهٔالمعارف، ج ۹، ص ۳۶۷.

ص: ۶۶

خانه کعبه آویختند. این محاصره دو یا سه سال طول کشید تا به قدرت خدا موریانه‌ای صحیفه را خورد و جز «بِاسْمِکَ اللَّهُمَّ» که بر بالای آن نوشته بودند چیزی باقی نگذاشت.

ابوطالب به جمع قریشیان رفت و گفت برادرزاده‌ام چنین خبری می‌دهد اگر راست باشد محاصره را بشکنید و اگر دروغ باشد او را به شما خواهم سپرد. چون به سر وقت صحیفه رفتند چنان بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داده بود. قریش محاصره را شکستند. (۱)

این دره چنانکه مؤلف معجم معالم الحجاز نوشته است به سوی کوه ابو قبیس سرازیر بوده و به سال ۱۳۹۹ هجری قمری کسانی که می‌خواستند شارع غزه را وسعت دهند آن را خراب کردند. و همان جاست که هم‌اکنون کتابخانه مکه مکرّمه در آن قرار دارد. (۲)

قبرستان ابوطالب

قبرستان ابوطالب

محوطه وسیعی که در کنار پل حَجون قرار دارد و اکنون گورستان مردم مکه است، خود تاریخی کهن دارد.

محمد بن عبداللَّه ازرقی م- ۲۲۳ ه. ق. در کتاب اخبار مکه ذیل عنوان «ما جاء فی مقبرة مکة وفضائلها»

۱- برای آگاهی از تفصیل بیشتر رجوع به تاریخ تحلیلی اسلام از نگارنده، ص ۵۳ شود.

۲- ج ۵، ص ۵۷- ۵۶.

ص: ۶۷

می‌نویسد: مردم جاهلیت و صدر اسلام مرده‌های خود را در شِعب ابودُبّ از حَجون تا شعب صفی‌السباب و در شعب چسبیده به ثَنیَّه مدنیین که امروز گورستان مکه است به خاک می‌سپردند و نام تنی چند از بزرگان مکه را می‌برد که در آنجا مدفونند. (۱)

ابن حجر روایتی از طریق علی بن محمد بن متیم از علی علیه السلام آورده است که ابوطالب را در حجون در قبر عبدالمطلب به خاک سپردم و چون گور را گشودم عبدالمطلب را رو به قبله خفته دیدم. (۲) هیچ دور نیست علت شهرت آن مکان به شعب ابوطالب از آن جهت باشد که قبر ابوطالب در آنجاست.

تصویر ص ۷۵؟؟؟

۱- ج ۲، صص ۱۰- ۱۰۹.

۲- الاصابهٔ فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۱۱۸.

ص: ۶۸

ولی جایی که به نام شعب ابوطالب معروف بوده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا متولد شد اینجا نیست.

عرفات

عرفات

صحرایی است به درازای دوازده کیلومتر در شش کیلومتر و نیم، در فاصله بیست و یک کیلومتری شمال مکّه، بر سر راه طائف.

عرفات صیغه جمع است و مفرد آن عرفه است. امّا معنی آن چیست؟

گویند از عرفان و به معنی شناسایی است. شناسایی چه کسی یا چه کسانی؟ گویند حاجیان در آنجا با یکدیگر آشنا می‌شوند. پیداست این وجه تسمیه درست نیست، و گفته‌اند در آنجا آدم و حوا با هم آشنا شدند و وجه تسمیه‌های دیگر هم نوشته‌اند که به خاطر اختصار از نوشتن آن چشم می‌پوشیم.

صحرای عرفه را در این سالها درختکاری کرده‌اند و دور نیست که چند سال دیگر آن سرزمین خشک و سوزان به جنگلی مبدل شود. هر حاجی باید از ظهر روز نهم ذوالحجه تا غروب شرعی آن روز در این صحرا باشد و این عمل را وقوف اختیاری می‌نامند.

در جهت شمالی این دشت کوهی است که آن را جبل‌الرحمه یا جبل عرفات نامند.

ازرقی نویسد: مجاهد از ابن عباس روایت کند که حد

ص: ۶۹

عرفه از کوه مشرف بر بطن عُرَنَه است تا ملتقای وَصِق (۱) و توقفگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله در شامگاه عرفه میان کوههای نَبْعَه و نُبَیْعَه و نابِت بوده است. (۲)

تصویر ص ۷۷؟؟؟

مشعرالحرام

۱- و آن را با «ضاد» هم نوشته‌اند بالای آن از کنانه و پایین آن، از هذیل‌بوده‌است. از معجم‌البلدان

۲- اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۹۴.

ص: ۷۰

مشعرالحرام

مشعر یا مُزْدَلِفَه جایی است که حاجیان پس از بیرون شدن از عرفات بدانجا می‌روند و تا سرزدن آفتاب در آن می‌مانند.

مشعر میان دو تنگنای عرفه از یک سو و مُحَسِّر از سوی دیگر است.

آن را مزدلفه گوینـد چون جایی است که در رفتن بـدان هجوم می‌آورند. و به هم نزدیک می‌شوند یا آنکه در شب بدانجا می‌روند و جز این، وجه تسمیه‌های دیگر نیز نوشته‌اند.

مزدلفه از منتهای عرفه تا وادی محسّر است.

تصویر ص ۷۸؟؟؟

منا

منا

دره‌ای است به عرض تقریباً هفتصد متر و طول دو کیلومتر و نیم (از جمره عقبه تا وادی مُحَسِّر). حاجیان باید

ص: ۷۱

از سرزدن خورشید روز دهم تا ظهر روز دوازدهم در این درّه بمانند.

در ضبط کلمه منا و معنی آن نظرهای گوناگون داده‌اند.

ازرقی نویسد: منا را «مِنا» گویند چون هنگامی که جبرئیل خواست از آدم جدا شود او را گفت آرزو کن! آدم گفت بهشت را آرزو می‌کنم و بدین سبب منی نامیده شد چون آرزوی آدم است. براساس این وجه تسمیه باید منا را به ضم میم خواند. و هم او در روایت دیگری آورده است آن را مِنی گویند چون خون در آنجا ریخته می‌شود و بعضی آن را به فتح میم خوانده‌اند که به معنی قصد است، و بعضی به کسر میم ضبط کرده‌اند. (۱)

۱- اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۸۰.

ص: ۷۲

تصویر ص ۸۰؟؟؟

جمرات

جمرات

جمعِ جَمره به معنی توده‌ای از سنگ است. جمره‌های سه گانه، در منا و نزدیک به مکه است: جمره اولی، وسطی و

تصویر ۱ ص ۸۲؟؟؟

جمره عَقَبَه و فاصله هر یک از این جمره‌ها به اندازه یک تیر

ص: ۷۳

پرتاب است.

جمره اولی- یا نخستین- نزدیک مسجد خیف است و جمره وسطی- یا میانه- بین جمره اولی و جمره عقبه قرار دارد.

حاجیان مکلفند روز عید قربان به جمره عقبه هفت سنگ

تصویر ۲ ص ۸۲؟؟؟ بیندازند، و در روزهای یازدهم و دوازدهم نیز به هر یک از سه جمره هفت سنگ بزنند.

نوشته‌اند در اینجا بود که آدم شیطان را که در پی وی می‌رفت، با افکندن سنگ‌ریزه از خود راند. نیز گفته‌اند چون ابراهیم علیه السلام آماده قربانی کردن اسماعیل شد، شیطان کوشید تا آن دو و هاجر را وسوسه کند و از این کار باز دارد و آنان در سه جا با افکندن سنگ ریزه شیطان را راندند.

گفته‌های دیگر نیز هست که به خاطر اختصار نمی‌آوریم.

ص: ۷۴

مسجدها:

مسجدها:

در داخل شهر مکه و اطراف آن مسجدهاست که قدمت تاریخی و شهرت اسلامی دارد؛ چون «مسجد خیف»، «مسجد نَمِرَه»، «مسجد جِن» و «مسجد تَنْعیم».

مسجد خَیف

مسجد خَیف

«خیف» در لغت سراشیبی در کوه است تا بستر رودخانه و گویند آن سراشیبی را که هم اکنون مسجد خیف در آنجاست خیف نامند. چون این کلمه به معنی اختلاف است و آن قسمت که خیف نام دارد نه در بلندی است و نه پستی و مخالف این هر دو است آن را خیف گفته‌اند. این خیف که در منا است بنام خیف بنی کنانه موسوم است و جز این مکان جایهای دیگری نیز به نام خیف معروف است. نام مسجد خیف در دعای مشهور سمات که در عصر جمعه خوانده می‌شود آمده است.

مسجد خیف در سمت جنوبی و بر جانب چپِ کسی که از سوی عرفات آید واقع است. تا چندی پیش مسجد خیف جایگاه حاجیان مغرب اسلامی بود. و به سنت دیرین در آنجا سکونت می‌کردند، و گذشته از کار پخت و پز، حرمت مسجد رانیز با ملوث ساختن آن در هم می‌شکستند. این مسجد در تاریخ اسلام شهرتی بسزا دارد. و گویند رسول اکرم در حجهٔالوداع خیمه خود را در این مکان زده است. ودر جایی که

ص: ۷۵

محراب مسجد است پنج نماز را از نماز ظهر تا نماز صبح ادا کرده است.

تصویر ص ۸۴؟؟؟ معتمد عباسی به سال ۲۵۶ آن را تعمیر کرد و وزیر، محمد ابن علی اصفهانی به سال ۵۵۹ و احمد بن عمر معروف به ابن مرجانی به سال ۷۲۰ و قایتبای به سال ۸۷۴ و سلطان محمد قزلویه سال ۱۰۷۲ و سلیمان آغا از جانب سلطان محمد به سال ۱۰۹۲ هر یک تعمیراتی در آن انجام دادند در چند سال اخیر بنای قدیمی را ویران کرده و بجای آن مسجدی زیبا با گنجایشی وسیع ساخته‌اند (۱).

مسجد نَمره:

۱- مرآةالحرمین، ج ۱، صص ۳۲۴- ۳۲۲.

ص: ۷۶

مسجد نَمره:

مسجدی است بزرگ در ابتدای عرفات، نزدیک جبلُ‌الرَّحْمَه که آن را مسجد عُرَنَه و مسجد عرفه و جامع ابراهیم نیز نامند. مسجدی بزرگ است و بر گرداگرد آن رواق‌هاست. این مسجد نیز از مسجدهای تاریخی است که آثار بنای امیران و پادشاهان ترک و مصر در آن دیده می‌شود.

مشهور است که رسول اللّه نماز ظهر و عصر را به جمع، در این مسجد خوانده است.

تصویر ص ۸۵؟؟؟

مسجد جن:

مسجد جن:

این مسجد نزدیک «مِعْلاهٔ» است. گویند سبب نام یافتن این مسجد به مسجد جن از آنجاست که سوره مبارک جن در

ص: ۷۷

این مکان بر پیغمبر نازل شد.

تصویر ص ۸۶؟؟؟

مسجد تنعیم:

مسجد تنعیم:

این مسجد نزدیک‌ترین مسجدها به حدود حرم است.

غالباً برای عمره مفرده در این مسجد مُحرِم می‌شوند. جزاین مسجدها مکانهای مقدس دیگر نیز در داخل و خارج مکه وجود دارد.

تصویر ص ۸۷؟؟؟

ص: ۷۸

ص: ۷۹

ص: ۸۰

ص: ۸۱

مدینه منوره

مدینه منوّره:

مدینه منوّره:

مدینه. مدینهٔ الرَّسول، طَیِّبه، هجرتگاه پیغمبر.

مرکز تأسیس حکومت اسلامی و نامبردارترین شهرهای اسلامی پس از مکه معظمه، در عربستان است که در پانصد کیلومتری شمال شرقی مکه قرار دارد.

ارتفاع آن از سطح دریا ۹۱۶ متر. طول جغرافیایی آن ۳۹ درجه و پنجاه و پنج دقیقه و عرض آن ۲۴ درجه و ۱۵ دقیقه است. این شهر در دشتی وسیع و ریگ‌زار ساخته شده است و به خاطر داشتن قنات‌ها و کاریزها و خرمابنان فراوان، هوایی گرم و مرطوب دارد. تابستان‌ها از نزدیک ظهر تا پسین، هوا به شدت گرم می‌شود، چنانکه در تابستان درجه گرما به ۴۸ تا ۵۰ درجه سانتی‌گراد بالای صفر می‌رسد. ولی در زمستانها روز ۱۰ درجه بالای صفر و شب‌ها تا به صفر و گاهی به

ص: ۸۲

زیر صفر می‌رسد. (۱)

با افزایش جمعیت و تأسیس ساختمان‌های چند طبقه، بتدریج درختان خرما از میان می‌رود و امروز جز نخلستانهایی اندك در آن بر جای نمانده.

تاریخ مدینه:

تاریخ مدینه:

شهرت این شهر به خاطر هجرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بدانجاست، اما شهر خود تاریخی طولانی دارد. چنانکه نوشتیم، نام پیشین آن یثرب است و بعضی تاریخ‌نویسان احتمال داده‌اند حدود قرن دوم پیش ازمیلاد مسیح مردمی از نژاد مصر قدیم این شهر را در دست داشته‌اند و بدین جهت واژه یثرب را لغتی قبطی گرفته‌اند. (۲)

آنچه از نتیجه پژوهشهای دانشمندان اخیر بدست آمده است این که: در سده چهارم میلادی پس از بهم خوردن وضع سیاسی و اقتصادی جنوب عربستان، گروهی از مهاجران آن

۱- مرآةالحرمین، ج ۱، ص ۴۴۵. در راهنمای مدینه که در سالهای اخیر به چاپ رسیده است درجه گرما را در اوت ۳۷ درجه نوشته است که مسلماً درست نیست و یا در سالی خاص که این راهنما منتشر شده به آن اندازه رسیده است امسال در یکی از شبهای ماه ژوئن تلویزیون درجه حرارت را ۴۲ اعلام کرد که مسلماً باز دو سه درجه کمتر گزارش شده.

۲- فرید وجدی. ذیل مدینه، ص ۵۲۹، ج ۸. لیکن این گفته نباید درست باشد چه واژه «یثربا» در کتیبه‌های سبائیان و در جغرافیای بطلمیوس دیده می‌شود تاریخ العرب، ج ۱، ص ۱۴۶. دائرة المعارف بریتانیا ذیل مدینه.

ص: ۸۳

منطقه به یثرب آمدنـد و چون وضع طبیعی زمین را مناسب دیدند در آنجا سـکونت کردند، اینان از نژاد قحطانی بودند که بعدها نام یمانی و نامهای دیگر بخود گرفتند.

چنـانکه دسـته‌ای هم از مهـاجران یهودی در داخـل شـهر و دهکـده‌های مجاور آن سـکونت کردنـد. احتمال می‌دهنـد هجرت کوچ کنندگان یهودی پس از ویرانی اورشلیم به‌دست بخت نصر بوده است.

بهر حال آنچه مدینه را در تاریخ اسـلام و جهان مشـهور ساخت هجرت پیغمبر صـلی الله علیه و آله بدانجا بود. پیغمبر در ماه سپتامبر سال ششـصد و بیست و دو میلادی که مصادف با ربیع‌الاول بود بدین شـهر درآمد. و این هجرت مبدأ تاریخ مسلمانان گشت، لیکن آغاز سال را از محرم گرفتند.

گروهی از مسـلمانان شـهر مکه پیش از پیغمبر و پس از هجرت او، شـهر خود را ترک گفتنـد و بتدریـج به مدینه آمدند. در قرآن و سنت پیغمبر و عرف مسلمانان مردم شهر مدینه «انصار» و مسلمانان مکه «مهاجران» لقب گرفتند.

رسول اللّه صلی الله علیه و آله در ماههای نخستینِ‌هجرت، میان دو گروه عقد برادری بست و هر یک تن از عرب‌های قحطانی با تنی از عرب‌های عـدنانی برادر گشت و بـدین ترتیب آن هم چشـمی و یا برتری جویی که از صدها سال پیش، میان دو دسـته شـمالی و جنوبی پدید آمده بود برطرف گردید.

قرآن کریم فرماید: و به یاد آورید نعمت‌های خدا را بر خویش که دشمن بودید و خدا میان دلهای شما سازگاری داد و

ص: ۸۴

به نعمت او برادر یکدیگر گشتید. (۱)

پیمان‌نامه مدینه که باید آن را کاملترین و جامع‌ترین اعلامیه حقوق انسانی خواند در این شهر و به‌فاصله کمتر از یک سال از هجرت نوشته شد. پس از آن مدینه مرکز حکومت اسلامی گردید. پس از رحلت پیغمبر تا سال سی و پنجم هجری سه خلیفه این شهر را مقر حکومت خود قرار دادند.

هر چند ازآن پس مرکز خلافت به کوفه و سپس به دمشق و بغداد منتقل شد اما مدینه موقعیت معنوی خود را تا سده چهارم هجری همچنان نگاهداشت و جایگاه علم و ادب و موطن بسیاری از علما، فقها و صالحان بود.

وضع شهر مدینه در عهد پیامبر خدا و ابوبکر و عمر از جهت عمران و آبادانی تغییری چندان نیافت. نخستین بار عثمان بود که برای خود خانه‌ای از سنگ و گچ ساخت که درهای آن از چوب کاج بود.

در سال چهل و یکم هجرت که معاویه خود را خلیفه مسلمانان خواند، برای این که بزرگان مهاجر را همراه داشته باشد و نیز از آن جهت که گروهی از خاندان او در این شهر بسر می‌بردند از بذل مال به آنان دریغ نکرد. این روش در تمام دوران حکومت اموی ادامه داشت و در نتیجه مدینه از جهت عمران و آبادی پیشرفتی بزرگ کرد. اما به موازات برخورداری این بزرگان از مال و آسایش، فساد اخلاق نیز در

۱- آل عمران: ۱۰۳

ص: ۸۵

میان‌آنان رواج یافت؛ چنان که هنوز سده نخستین هجرت پایان نیافته بود که مدینه مرکز مهم تربیت موسیقی دانان- زن یا مرد- و صدور آنان به دیگر شهرها گردید و خانه‌هایی در این شهر برپا شد که جایگاه عیاشان و خوشگذرانان بود. (۱)

کشتار دسته جمعی مردم به سال شصت و سوم هجری که به امر یزید بن معاویه به دست مسلم بن عُقْبه صورت گرفت و به نام «وقعه حَرّه» (۲) معروف شده، یکی از برگ‌های سیاه تاریخ حکومت امویان است و می‌توان قسمتی از تباهی عمومی و فساد اخلاق مردم مدینه را در سالهای بعد معلول این فاجعه دانست. پس از انتقال مقر خلافت از دمشق به بغداد (دوره عباسیان) خلفای این خاندان توجه چندانی به این شهر نکردند.

حاکمان مدینه:

حاکمان مدینه:

هنگامی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به‌دنبال شورشیان (طلحه و زبیر) که بصره را مرکز مقاومت ساخته بودند به عراق رفت و سرانجام کوفه را مقر خود ساخت، در سالهای ۳۷- ۴۰ هجری از جانب آن حضرت سهل بن حنیف و ابو ایوب انصاری به ترتیب به حکومت مدینه معین شدند.

۱- نگاه کنید به زندگانی علی بن الحسین علیهما السلام از نگارنده، ص ۱۰۴- ۱۰۳.

۲- حَرَّه به معنی سنگلاخ است و این گونه سنگلاخ‌ها پیرامون‌مدینه فراوان بوده است. لیکن با گسترش شهر امروز بیشتر آنها را ساختمان‌های نو اشغال کرده است. حرّه‌ای که این جنگ در آن رخ داد «واقِمْ» نام داشت.

ص: ۸۶

پس از شـهادت علی علیه السلام در سالهای چهلم تا شصتم هجری، معاویه به ترتیب ابوهریره، سعید بن عاص، ولید بن عتبه و عمر و بـن سـعید را به حکـومت مـدینه معین کرد و پس از اینـان، درمانـده دوره امویـان ۲۲ تن از جـانب والیـان دمشق به حکومت مـدینه رسـیدند و دو تن از جانب عبـدالله بن زبیر که مکه را مرکز خلافت خود ساخته بود برای حکومت به مدینه فرسـتاده شد (در سالهای ۶۵- ۷۲). سپس از سال ۱۳۲ تا ۲۴۸ بیش از چهل تن پی در پی برای اداره این شهر آمدند تا آنکه نوبت به حکومت علویان رسید و تا حدود یک هزار و یکصد هجری مدینه را در دست داشتند. (۱)

مدینه به خاطر ضعف حکومت‌ها و نداشتن برج و باروی استوار، بارها مورد هجوم عرب‌های بیابان نشین واقع می‌شد.

نخستین باروی مدینه به امر محمد بن اسحاق جعدی به سال ۲۳۶ هجری ساخته شد و چهار در برای شهر قرار دادند.

عضدالدوله دیلمی به سال ۳۷۲ بارویی استوار برای آن ساخت.

سپس محمد بن ابی منصور مشهور به جواد اصفهانی به سال ۵۴۰ هجری بارویی گرد مسجد نبوی کشید و جمال‌الدین وزیر صاحب موصل دیوار شهر را که ویران شده بود تجدید بنا کرد. نورالدین زنگی به سال ۵۵۸ و ملک صالح بن قلاوون به سال ۷۵۵ و سلطان قایتبای به سال ۸۸۱ و سلطان سلیم عثمانی به

۱- معجم الانساب، ج ۱، صص ۳۷- ۳۵ و صص ۱۷۸- ۱۷۷.

ص: ۸۷

سال ۹۳۹، هر یک در ترمیم و تجدید باروی شهر کوشیدند. (۱) و چون در جنگ وهابیان باروی شهر آسیب دید محمد علی پاشا آن را مرمت نمود.

در سال ۱۲۸۵ عبدالعزیز دیوار بلندی به ارتفاع ۲۵ متر گرد شهر کشید. (۲) در این عصر به خاطر توسعه روز افزون شهر، دیوارهای قدیمی در بسیاری از مناطق از میان رفته است.

حرم مدنی:

حرم مدنی:

«خدایا! من محمد بنده و فرستاده تو، تو را می‌خوانم که به مردم مدینه برکت دهی در پیمانه‌ها و وزن‌ها و میوه‌های آنان.

خدایا! مدینه را محبوب ما گردان. وبایی را که در آن است به «خم» (۳) بازگردان. خدایا! من میان دو «لابه» (۴) مدینه را حرم قرار دادم چنانکه ابراهیم علیه السلام مکه را». (۵)

نیز فرمود: «مدینه میانه «عَیْر» (۶) تا «ثَوْر» (۷) حرم است هر کس در آن فتنه‌ای پدید آرد لعنت خدا و فرشتگان و همه مردمان بر او باد.» (۸)

مسجدالنَّبی:

۱- مرآةالحرمین، ج ۱، صص ۴۱۱- ۴۱۰.

۲- همان مأخذ، ص ۴۱۳.

۳- خم به‌فاصله دو میل از جُحْفَه است.

۴- لابه: سنگستان پیرامون مدینه.

۵- مغازی واقدی، ج ۱، ص ۲۲. بحار، ج ۱۹، ص ۳۲۹.

۶- نام کوهی نزدیک مدینه.

۷- غار معروف.

۸- سفینه، ج ۲، ص ۵۲۹.

ص: ۸۸

مسجدالنَّبی:

مسـجد پیغمبر که در قسـمت شـرقی مدینه بنا شده، پس از مسجدالحرام مشهورترین مسجد در تاریخ اسلام است و یکی از مسجدها است که به فرموده رسول خدا صـلی الله علیه و آله باید به سوی آن کوچ کرد. این مسـجد مربعی است مستطیل که جز قسمت وسط از چهار سو، مسقف است و دارای پنج در می‌باشد:

باب‌السـلام و باب‌الرحمه در جهت مغرب. باب توسل یا باب مجیدی در جهت شـمال و باب‌النساء و باب جبرئیل در جهت شرق. در نوسازی اخیر آن چنان که بر مساحت آن افزوده‌اند، شمار درها نیز بیشتر شده.

تصویر ص ۹۹؟؟؟ مسـجد مدینه تاریخی دراز دارد. هنگامی که پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله از مکه به مدینه رسـید و در خانه ابو ایوب انصاری منزل کرد، جایی را که شتر وی بر آن خفت- و در

ص: ۸۹

آن خرما می‌خشکاندند،- از آنِ دو یتیم بود، پیغمبر آن زمین را از ولیِّ آن دو طفل به ده دینار خرید و مسجد را در آن ساختند. مساحت زمین در آن روز حدود هفتصد و پنجاه متر بوده است (۳۰* ۲۵) صحن مسجد را با ریگ سیاه فرش کردند.

دیوارها را با خشت و گل بالا بردند.

پیغمبر شخصاً در ساختمان این مسجد کمک می‌کرد.

قسمتی از مسجد را با شاخ و برگ درخت خرما مسقف ساختند و این سقف را بر روی پایه‌هایی از تنه درخت خرما نهادند. سه در از جانب شرق و غرب و جنوب برای آن قرار دادند.

جهت شمال متوجه قبله نخستین مسلمانان (مسجدالاقصی) بود سپس جهت قبله به خانه کعبه تغییر یافت.

در داخل مسجد، صفّه‌ای (ایوانچه مانند) آماده کردند که مستمندان در آنجا بسر می‌بردند. اینان همان دسته از مسلمانانند که به «اصحاب صُفَّه» معروف گشتند.

خانه‌های زنان پیغمبر نیز که حجره‌هایی بود در اطراف مسجد قرار داده شد. چون رسول خدا از جنگ خیبر بازگشت مسجد را از سه سوی شرق و غرب و شمال وسعت دادو به صورت مربعی درآمد که هر ضلع آن یکصد ذراع بود. (۱) چون پیغمبر به جوار پروردگار رفت او را در حجره عایشه که در کنار

۱- مرآةالحرمین، ج ۱، ص ۴۶۲.

ص: ۹۰

مسجد بودبه‌خاک سپردند. پس از رحلت رسول‌خدا، مدتی در مسجد تغییری صورت نگرفت. چه، می‌گفتندچون پیغمبر خود در ساختمان این مسجد شریک بود، تصرف در آن روانیست، سرانجام ضرورت، آنان را بدین تغییر واداشت. کسانی که در کنار مسجد سکونت داشتند خانه‌های خود را بخشیدند و بر وسعت مسجد افزوده شد.

نخستین تغییر در عهد عمر به‌سال هفدهم از هجرت صورت گرفت. عمر دیوار مسجد را نوسازی کرد. بعض ستونها را تغییر داد و اندکی از سه سمت غرب، شمال و جنوب به مساحت مسجد افزود. (سال هفدهم هجری) در خلافت عثمان در سال بیست و نهم هجری مسجد را از چهار جهت وسعت دادند. و رواق‌ها از جانب شرق و شمال و سمت قبله برای آن ساختند.

در خلافت ولید بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز از جانب وی حاکم مدینه بود، مسجد را از سوی شمال و غرب و شرق وسعت داد. خانه‌های زنان پیغمبر را داخل مسجد کرد.

برای مسجد چهار مئذَنه ساخت و صحن آن را با سنگ مرمر فرش کرد. این نوسازی از سال هشاد و هشت تا سال نود و یک هجری ادامه داشت. به سال ۱۶۰ تا ۱۶۵ هجری مهدی عباسی دیگر بار در نوسازی آن کوشید.

شب جمعه اول رمضان سال ۶۵۴ بر اثر شعله یکی از چراغها، مسجد آتش گرفت و سراسر آن جز قبه‌ای

ص: ۹۱

در صحن مسجد سوخت (۱) عبداللّه بن منتصر در این باره به مستعصم نامه نوشت و او در سال ۶۶۵ مسجد را نوسازی کرد.

به سال ۶۷۸ قلاوون برای مسجد گنبد ساخت. به سال ۸۱۳ الملک الاشراف برسابای و به سال ۸۵۳ ملک ظاهر برقون در آن تعمیرات دیگری کردند.

در سال ۸۶۶ بر اثر صاعقه‌ای جانب بیرونی روضه مطهر آسیب دید، اما خود روضه مصون ماند. (۲) از آن روزگار شعرهایی‌از شاعران مذاهب اسلامی در دست است که هر دسته به گمان خود می‌خواسته است شومی این حادثه را در نتیجه بدعتِ دسته دیگر بداند. باری چون خبر آتش سوزی به قایتبای پادشاه مصر رسید بنایان و معماران مخصوص را به مدینه فرستاد و آنان مسجد را نوسازی کردند. بر بالای گنبد پیشین گنبدی بلندتر برآوردند.

در سال ۹۸۰ سلطان سلیم تعمیراتی دیگر انجام داد و در سال ۱۲۲۳ سلطان محمود گنبد را نوسازی کرد. در سال ۱۲۵۵ آن را به رنگ سبز نمود و بدین جهت به «قبهٔالخضرا» موسوم شده است. (۳)

نوشته‌اند سلطان عبدالمجید مبلغ یک میلیون لیره عثمانی

۱- مرآهٔالحرمین، ص ۴۶۳.

۲- همان مأخذ، ص ۴۶۴.

۳- همان مأخذ، ص ۴۶۴.

ص: ۹۲

صرف این تعمیرات کرد. (۱) در سلطنت سلطان عبدالمجید به سال ۱۳۲۶ هجری مسجد را برق کشی کردند. (۲) اثر

تصویر ص ۱۰۳؟؟؟

۱- فرید وجدی دائرةالمعارف، ج ۸، ص ۵۴۸.

۲- همان مأخذ. همان صفحه.

ص: ۹۳

تعمیراتی که در دوره اخیر پادشاهان عثمانی در مسجد نبوی صورت گرفت چنان بود که تا عصر ما نیز باقی مانده است.

در سالهای ۱۳۷۰– ۱۳۷۵ دولت عربستان سعودی با صرف هزینه‌ای در حدود پنجاه میلیون ریال سعودی تعمیراتی در مسجد پدید آورد.

در طرحی که اکنون در دست اجراست مساحت مسجد به شصت و هفت هزار متر می‌رسد و دارای شصت و پنج در خواهد بود و گنجایش دویست و پنجاه هزار نمازگزار را خواهد داشت.

روضه نبوی:

روضه نبوی:

«میان منبر و خانه من باغی است از باغهای بهشت.» (۱) روضه نبوی مسافت میان قبر پیغمبر و منبر آن حضرت است. طول آن بیست و دو متر و عرض آن پانزده متر. در سمت غربی محراب مسجد، منبری است از سنگ مرمر در نهایت زیبایی. که سلطان مراد سوم آن را در محرم سال ۹۹۸ هجری هدیه مسجد کرد و آن را به‌جای منبر قایتبای قرار دادند.

۱- سفینهٔالبحار، ج ۲، ص ۵۶۷. المعجم المفهرس ذیل روض.

ص: ۹۴

تصویر ۱ ص ۱۰۵؟؟؟؟

تصویر ۲ ص ۱۰۵؟؟؟؟

ستون‌های مسجد نبوی

ص: ۹۵

ستون‌های مسجد نبوی

در مسجد نبوی ستون‌هایی است که هر یک نامی خاص دارد و نشانه واقعه‌ای است. اما آیا این ستون‌ها همان است که در روزگاران پیشین؛ یعنی دوره رسول صلی الله علیه و آله، صحابه و تابعین بوده یا در نوسازی‌های مکرر جای آنها تغییر یافته است؟ با اهتمامی که در گذشته به حفظ آثار متبرک می‌کرده‌اند، می‌توان گفت عثمانیان در تعمیرهایی که کردند، جای ستون‌ها را محفوظ نگاهداشتند.

بهرحال ستونهایی که سمهودی در پایان دهه نهم و آغاز دهه دهم در کتاب خود (وفاءالوفا) نام می‌برد و در آن تاریخ مشهور بود، چنین است:

ستون مُخلَّق؛ این ستون بر جایی نهاده شده است که نمازگاه پیغمبر بوده است.

ستون توبه؛ که آن را ستون ابولبابه نامند.

ستون قرعه؛ این ستون به نام عایشه نیز معروف است و در باره فضیلت نماز نزدیک آن روایت‌ها نقل شده است.

ابولبابه کیست؟ چه وقت مرتکب گناه شد؟ و گناه او چه بود؟ گفته‌اند: پس از شکست بنوقریظه، یهودیان از او پرسیدند: آیا به حکم محمد صلی الله علیه و آله گردن بنهیم؟ وی با دست اشاره به گلوی خود کرد؛ یعنی کشته خواهید شد و گفته‌اند گناه او تخلف از غزوه تبوک بود. بهرحال ابولبابه چون دانست گناهی بزرگ کرده است، نزد رسول صلی الله علیه و آله نرفت و به مسجد شد و

ص: ۹۶

خود را به ستون بست تا آنکه آیه در پذیرفته شدن توبه او به رسول صلی الله علیه و آله نازل گردید. (۱)

ستونهای دیگری نیز به نام سریر، مَحْرَس، وُفُود و تهجد وجود دارد.

تصویر ص ۱۰۷؟؟؟

مسجدهای مدینه:

۱- برای تفصیل بیشتر رجوع به وفاءالوفا باخبار دارالمصطفی ج ۲، صص ۵۳- ۴۳۹ شود.

ص: ۹۷

مسجدهای مدینه:

بجز مسجد نبوی، مسجدهای معروف دیگری در خارج و داخل شهر مدینه موجود است که چند مسجد را که اهمیت بیشتری دارد نام می‌بریم:

مسجد قُبا:

مسجد قُبا:

«قبا» دهکده‌ای بوده است که مقارن هجرت پیغمبر به مدینه، طائفه بنی عَمْرو بن عَوف در آن سکونت داشتند. میان آن دهکده و مدینه دو میل مسافت بود. مسجدی که به نام قُبا معروف است در این دهکده ساخته شده و بارها تجدید بنا گردیده است. در حال حاضر آن را نوسازی کرده‌اند. و مرافق بسیاری بدان پیوسته‌اند و مساحت آن به ۱۳۵۰۰ متر مربع رسیده است. گویند این نخستین مسجد در اسلام است و آن را صحابه رسول خدا که از مکه به مدینه هجرت کردند و در این

تصویر ص ۱۰۹؟؟؟

ص: ۹۸

دهکده ساکن شدند ساختند، و گویند مقصود از «مسجدی که بنیاد آن بر پرهیزکاری است» این مسجد است. و دسته‌ای دیگر گفته‌اند: آن آیات، درباره مسجد نبوی در مدینه است.

مسجد ذوقبلتین:

مسجد ذوقبلتین:

مسجدی است در شمال غربی مدینه که بنام بنی سَلَمه معروف بوده است و در این مسجد در ماه شعبان سال دوم از هجرت هنگامی که پیغمبر نماز ظهر رامی‌خواند آیه تغییر قبله (۱) بر وی نازل گشت و پیغمبر در بین نماز روی خود را از بیت‌المقدس به کعبه برگرداند. در این مسجد، به یادبود این تغییر، دو محراب به سوی قبله نخستین و قبله دوم ساخته بودند، لیکن در نوسازی اخیر آن قبله را برداشته‌اند.

تصویر ص ۱۱۰؟؟؟ از راهنما پرسیدم: چرا این اثر تاریخی را برداشته‌اند؟

۱- بقره: ۱۴۴.

ص: ۹۹

گفت: از آن رو که مردم نادانسته بدان قبله نماز می‌خواندند!

مساحت مسجد ذوقبلتین در بازسازی اخیر به سه هزار و نهصد و بیست متر مربع رسیده است. (۱)

مسجد جمعه:

مسجد جمعه:

پس‌از مسجد قبااین مسجداز جهت‌تاریخی‌دوّمین مسجد است و آن‌را مسجد وادی و مسجد عاتکه نیز نامند. این مسجد در باغی‌است که بستان شربتلی نام دارد. چون رسول صلی الله علیه و آله از قبا روانه مدینه شد، عتبان بن مالك رئيس خاندان بنی عمرو بن عوف نزد آن حضرت آمد و گفت ای فرستاده خدا! شما چند روز در محل پسرعموهای ما به سر بردید؟ و این برای آنان موجب فخر همیشگی است. رسول خدا نزد آنان فرود آمد و آن روز جمعه بود. نماز را در آنجا خواند و جای نماز را مسجد ساختند.

تصویر ص ۱۱۱؟؟؟

مسجد فضیخ:

۱- تاریخ معالم‌المدینه، ص ۲۸۷.

ص: ۱۰۰

مسجد فضیخ:

ایـن مسـجد در انتهـای شـارع‌العوالی، طرف راسـت راهی اسـت که به سـوی مستشـفی‌الوطنی می‌رود. این مسـجد نیز از مسـجدهای تـاریخی و معروف است. فضیـخ شـرابی است که ازخرمـا گیرنـد. در نامگـذاری آن نوشـته‌اند که جمعی از مسـلمانان در خانه‌ای به باده‌گساری مشـغول بودنـد بر اثر مستی بجان هم افتادند، در این هنگام بود که آیه حرمت خمر نازل شد. و چون خبر به آنان رسـید توبه کردند و کوزه‌های خمر را شکستند، سپس آن خانه به مسجد تبدیل گردید. (۱)

تصویر ص ۱۱۲؟؟؟

مسجد فتح:

۱- تاریـخ معالم المدینه، ص ۱۲۳؛ معجم معـالم الحجاز، ج ۸، ص ۱۴۸. و رجوع شود به الغـدیر ج ۶، ص ۲۶۱- ۲۵۱ و وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۳، ص ۸۲۱.

ص: ۱۰۱

مسجد فتح:

این مسـجد در شـمال غربی مـدینه در دامنه کوه سَـلْع بر بلنـدی قرار دارد. در این مسـجد بود که رسول خدا صـلی الله علیه و آله در جنگ خندق بر مشرکان نفرین کرد و آنان شکست خوردند. (۱)

مجلسی از تفسیر علی بن ابراهیم آورده:

چون محاصـره به درازا کشید و رسول خدا صلی الله علیه و آله ناتوانی اصحاب خویش دید، بر کوهی برشد که امروز مسجد فتح بر آن کوه است و از خدا یاری خواست و گفت:

ای فریادرس اندوهگینان! و ای پاسخ گوینده بیچارگان! ای زداینده اندوه‌های بزرگ! تو مولای من، ولی من، ولی پدران درگذشته من هستی، غم و انـدوه و غصه ما را بزدای! و به توان و نیرو و قوت خود، انـدوه اینان را برطرف ساز. جبرئیل فرود آمـد و گفت: ای محمـد، خـدا گفته تو را شـنید و دعای تو را پـذیرفت و باد «دبور» را با فرشـتگان مأمور ساخت تا قریش را پراکنده سازند. (۲) نظیر چنین دعا را احمد نیز در مسند آورده است. (۳)

۱- تاریخ معالم‌المدینه، ص ۱۴۳؛ وفاءالوفا، ص ۸۳۰.

۲- بحارالانوار ج ۲۰ ص ۲۳۰.

۳- تاریخ معالم‌المدینه، ص ۱۴۴ و نیز رجوع به وفاءالوفا ج ۳، ص ۸۳۳ شود.

ص: ۱۰۲

تصویر ص ۱۱۴؟؟؟

تصویر ص ۱۱۴؟؟؟

مسجد علی علیه السلام:

مسجد علی علیه السلام:

این مسجد در جنوب مسجد فتح و مشرف بر وادی بطحان است. گویند در مدت محاصره شهر مدینه در جنگ احزاب، امیرالمؤمنین علی علیه السلام در آن به عبادت

ص: ۱۰۳

می‌پرداخته است. در نزدیکی این مسجد چند مسجد دیگر است که بنام مسجد فاطمه علیها السلام مسجد ابوبکر و مسجد عمر معروف است.

تصویر ص ۱۱۵؟؟؟

مسجد غمامه:

مسجد غمامه:

غمامه به معنای ابر است. واقدی نویسد: نخستین نماز عید که رسول خدا صلی الله علیه و آله به سال دوم هجرت در مدینه خواند در صحرا بود. عصایی را که نجاشی به زبیر بن عوام داده بود و او آن را به رسول صلی الله علیه و آله هدیه کرد با خود داشت.

رسول صلی الله علیه و آله نماز را در صحرا خواند سپس در سده دوم هجرت آن نمازگاه را مسجد کردند. در سبب نامگذاری آن به «غمامه» نوشته‌اند: رسول خدا در آنجا برای باران

ص: ۱۰۴

دعا کرد و چون دعا خواند ابری پدید آمد و باران بارید. (۱)

تصویر ص ۱۱۶؟؟؟

مَشْرَبه امّ ابراهیم:

مَشْرَبه امّ ابراهیم:

در سبب نامگذاری آن نوشته‌اند: ماریه قبطیه، ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را در اینجا به دنیا آورد. نوشته‌اند رسول صلی الله علیه و آله در مشربه ام ابراهیم نماز گزارد. مشربه را چند معنی است: زمین نرمی که در آن رستنی روید. صفه، مشت که با آن آب نوشند، آبشخور. و ظاهراً در اینجا به معنی نخست است که بستانی بوده است و معروف است که پیغمبر صلی الله علیه و آله در آنجا خمره‌های آب نهاده بود تا از آن بنوشند.

۱- تاریخ معالم‌المدینه، ص ۱۰۰ به بعد.

ص: ۱۰۵

تصویر ص ۱۱۷

مسجد سُقیا:

مسجد سُقیا:

این مسـجد در نزدیکی میـدان عنبریه است. گوینـد رسول خـدا صـلی الله علیه و آله هنگام رفتن به بدر در آنجا نماز خواندند و دعا کردند، سپس در آنجا مسجدی ساخته شد.

مسجد ابوذر:

مسجد ابوذر:

این مسجد در انتهای شارع ابوذر فعلی است و اخیراً آن را کوفته و از نو با مساحتی بیشتر ساخته‌اند.

ص: ۱۰۶

تصویر ص ۱۱۸؟؟؟

مسجد بنی‌ظفر:

مسجد بنی‌ظفر:

این مسجد در جانب شرقی بقیع به طرف حَرّه غربی است.

گویند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با عبداللَّه بن مسعود و معاذ بن جبل و جمعی از صحابه در آن مسجد نشست و فرمود قرآن بخوانید و چون قاری بدین آیه رسید فَکَیْفَ إِذا جِئْنا مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِیدٍ وَ جِئْنا بِکَ عَلی هؤُلاءِ شَهِیداً. رسول خدا گریست چندان که محاسن شریفش ترشد.

مسجد شمس:

مسجد شمس:

یا مسجد ردالشمس. بعضی پنداشته‌اند این مسجد همان مسجد فضیخ است، لیکن چنین نیست، چه، مسجد فضیخ در عوالی در ناحیه حرّه شرقی است در حالی که مسجد شمس در

ص: ۱۰۷

قربان، بین قبا و العوالی بوده است. در این نقطه، در فضایی که میان چند درخت قرار دارد، مخروبه است و مربع مستطیل که اطراف آن سنگ‌های سیاه است و مانده دیوارهای ویران شده. بعضی را گمان آن است که این ویرانه همان مسجد شمس است، لیکن به گمان این بنده، چنانکه آثار نشان می‌دهد این ویرانه «اطُم» بوده است و اطم خانه کوچکی است که از سنگ‌های سیاه می‌ساختند و چون چند خانه با هم یکجا و در حصاری محدود باشد آن را حصن (قلعه) گویند. شمار این اطم‌ها در مدینه بیش از صد بوده است که با گسترش شهر در طول تاریخ، همگی از میان رفته است. در فاصله دویست متر از شرق این ویرانه دیواری است که روی آن «مسجد شمس» نوشته است و گمان دارم مسجد شمس همانجا بوده است. اما چرا مسجد را «مسجد شمس» گویند، بر طبق آنچه شیعیان معتقدند و حدیث‌هایی هم از جز شیعه درباره آن آمده، خلاصه آن این است که: سر رسول خدا صلی الله علیه و آله در دامن علی علیه السلام بود و به‌خواب رفت تا آفتاب پنهان شد. چون رسول از خواب بیدار شد وقت نماز عصر گذشته بود. رسول گفت: «پروردگارا! او (علی) در طاعت تو و پیمبر تو بوده است، پس آفتاب را بر او برگردان.» آفتاب برگشت تا علی علیه السلام نماز عصر خواند. (۱)

اما مؤلف کتاب تاریخ معالم المدینه می‌نویسد: آن را

۱- برای آگاهی از تفصیل این داستان و روایت‌های آن، رجوع شود به الغدیر، ج ۳، صص ۱۴۱- ۱۲۶.

ص: ۱۰۸

مسجد شمس گویند چون بر تلّی بوده است و آفتاب به هنگام دمیدن بر آن می‌تافته است. (۱)

تصویر ص ۱۲۱؟؟؟

مسجد شَجره:

مسجد شَجره:

در فاصله یک فرسنگ و نیم از مدینه قرار داشته است که اکنون با گسترش شهر، این مسافت کمتر شده. چون درخت کُناری در کنار مسجد بوده است. این مسجد به نام «شجره» معروف گردیده است. اهمیت این مسجد بیشتر در آن است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجهٔالوداع از آنجا محرم شد. هم اکنون حاجیان ایرانی که پیش از اعمال عمره به مدینه می‌روند، در مسجد شجره احرام می‌بندند. این مسجد در سالهای پیش بسیار محقر و خالی از نظافت بود. در نوسازی

۱- ص ۱۲۵.

ص: ۱۰۹

اخیر (از ۱۳۶۶ به بعد) بر مساحت مسجد افزوده‌اند چنانکه گنجایش پنج هزار نمازگزار دارد. بیرون مسجد بیش از پانصد دوش حمام و بیش از سیصد و پنجاه عدد دستشویی ساخته شده است.

جز این مسجدها، مسجدهای دیگری نیز در مدینه هست که هر یک کم و بیش سابقه تاریخی دارد. چون مسجد بنی‌قریظه، مسجد سقیا و چند مسجد دیگر.

تصویر ص ۱۲۳؟؟؟

مسجد مباهله:

مسجد مباهله:

مسجدی را که به نام «مسجد مباهله» نشان می‌دهند، نماینده رویدادی تاریخی و بزرگ است.

«مباهله» در لغت «بریکدیگر نفرین و لعنت کردن» است.

در سال دهم هجرت گروهی از ترسایان نجران (ناحیه‌ای است

ص: ۱۱۰

در یمن در جنوب عربستان) نزد رسول صلی الله علیه و آله آمدند و در باره عیسی علیه السلام با او گفتگو کردند. رسول صلی الله علیه و آله فرمود عیسی بنده خدا و کلمه او بود که آن را بر مریم القا فرمود. گفتند چگونه ممکن است انسانی بی‌پدر به دنیا آید؟ قرآن در این باره نازل شد که مثل عیسی، مثل آدم است. چون گفتگو دراز گردید رسول صلی الله علیه و آله به حکم خدا فرمود: ما و شما پسران، زنانمان و خودمان به مباهلت شویم تا لعنت خدا بر دروغ‌گویان باشد. در آن روز که بیست و چهارم و به قولی بیست و یکم ذوالحجه بود رسول خدا با علی مرتضی و زهرا و حسن و حسین علیهم السلام بیرون شدند. ترسایان چون هما و جلال آن بزرگواران را دیدند، ترسیدند و از مباهله چشم پوشیدند و با رسول صلی الله علیه و آله مصالحت کردند و جزیه پذیرفتند.

تصویر ص ۱۲۴؟؟؟

بقیع:

ص: ۱۱۱

بقیع:

قبرستان معروف و قدیمترین و شناخته ترین قبرستان در اسلام که هنوز حدود آن بر جای و نام آن بقیع غرقد است.

طول آن یکصد و پنجاه متر و عرض آن یکصد متر است. (۱) بقیع درختان انبوه و غرقد درخت عوسج (سیاه توسکا) است.

این قبرستان در ناحیه شرقی مدینه قرار دارد و محدود است از سوی شمال به شارع ملک عبدالعزیز و از شرق به شارع ملک فیصل و از جنوب به شارع امام علی و از غرب به شارع ابوذر.

مزار امام حسن مجتبی، امام علی بن‌الحسین، امام محمدباقر و امام جعفرالصادق علیهم السلام و نیز دختر پیغمبر، فاطمه زهرا (بقولی) در این قبرستان است. همچنین قبر ابراهیم فرزند پیغمبر و رقیه و ام‌کلثوم و زنان حضرت. گذشته از این بزرگان، هزارها تن از صحابه کبار و تابعین و صلحا و اخیار و زاهدان و عابدان در این قبرستان به خاک رفته‌اند.

متأسفانه در اثر بی‌توجهی، این گورستان که مزار چهارتن از امامان بزرگ شیعه و هزاران تن از صحابه رسول خدا و تابعان آن حضرت در آن قرار دارد، به صورتی زننده وا گذاشته شده. نگارنده سال گذشته نامه‌ای به وزیر حج و اوقاف عربستان سعودی نوشت و ضمن تقدیر از خدمات او در بازسازی چندین مسجد متذکر شد که در سرزمین مکه و مدینه

۱- مرآةالحرمین، ج ۱، ص ۴۲۵.

ص: ۱۱۲

بناهائی بوده که گذشته از جهت قداست آن در دیده پیروان مذهب‌های اسلامی از نظر تاریخی نیز دارای اهمیت است و هم اکنون یکی پس از دیگری از میان می‌رود. متأسفانه نمی‌دانم پست‌نامه را به او رساند یا نه، و اگر رساند بدان توجهی کرد یا نه.

تصویر ص ۱۲۶؟؟؟

ص: ۱۱۳

تصویر ص ۱۲۷؟؟؟

اُحُد:

اُحُد:

درّه و کوهی که بدین نام شـهرت دارد، در یک فرسـنگی شمال مدینه است که اکنون به خاطر گسترش شهر، قسمت فراوانی از این فاصله را ساختمان‌ها پر کرده است.

اُحُد از جایگاههای تاریخی است که برای مسـلمانان حزن‌انگیز است. در این جا بود که دومین جنگ میان مسلمانان و مشرکان مکه در سال سوم هجرت رسول صلی الله علیه و آله در گرفت.

هنگامی که به رسول خـدا خبر دادنـد ابوسـفیان با سـپاهیانش به مدینه روی نهاده‌اند، حضـرتش شورای جنگی تشـکیل داد تا معلوم شود شهر باید صورت دفاع به خود بگیرد، یا سپاهیان برون روند و آماده کارزار گردند؟

ص: ۱۱۴

نظر سالخوردگان این بود که شـهر حالت دفاعی داشـته باشد ولی جوانان که گرمی بیشتری داشـتند، گفتند به بیرون شهر می‌رویم و بر دشـمنان حمله می‌بریم. چون اینان در اکثریت بودند رسول خدا صـلی الله علیه و آله رأی آنان را پذیرفت. سـلاح پوشـید و آماده رفتن شد، اما جوانان پشـیمان شدند که چرا رأی خود را بر رسول خدا صـلی الله علیه و آله تحمیل کردند. پس نزد حضرتش آمدند و گفتنـد ما از رأی خود بازگشتیم. رسول خـدا که می‌دانست قاطعیت در تصـمیم، شـرط رهبری است و فرمانده نباید هر لحظه رأی خود را دگرگون کند، فرمود:

«برای پیغمبر سزاوار نیست هنگامی که لباس رزم پوشید، آن را از تن در آورد، مگر آنگاه که جنگ کند.»

سپاهیان مکه خود را به ذُوالحُلَیْفَه رساندند و از آنجا به شـمال یثرب رفتند و در کنار احُد توقف کردند. شـمار سـپاهیان اسـلام یک هزار تن بود. پیش از شـروع جنـگ عبـداللَّه بن ابَیّ که سردسـته منافقان بود، به عنوان اعتراض با سـیصد تن از مردم خود برگشت و گفت محمد از بچه‌ها پیروی کرد و رأی مرا نادیده گرفت. مشهور است که آیه ۱۶۷ سوره آل عمران درباره او نازل شد.

بـاری بـا جـدا شـدن عبـداللَّه و پیروان او از پیغمبر، تنها هفتصـد تن باقی ماندنـد. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله عبـداللَّه پسـر جبیر سردسته تیراندازان را فرمود مواظب باش، دشمن از پشت سر به ما حمله نکند. جنگ به سود یا به زیان ما باشد، تو نباید جای

ص: ۱۱۵

خود را ترک کنی.

با نخستین حمله مسلمانان، سپاه مکه عقب نشست و سربازان اسلام به گردآوری غنیمت پرداختند. دسته تیرانداز هم برای آنکه از به دست آوردن غنیمت عقب نمانـد موضع خود را رها کرد و هر چنـد عبداللّه کوشـید مانع آنان شود نپذیرفتند. همین که آنان مدخل دره را رها کردند سوار نظام دشمن به سرکردگی خالد پسر ولید ناگهان بر سپاه اسلام حمله برد. مسلمانان شکست خوردند و حمزه عموی رسول خدا صـلی الله علیه و آله و نزدیک به هفتاد تن از مسـلمانان شهید گردیدند. مزار حمزه سیدالشهدا و دیگر شهیدان در دامنه کوه قرار دارد. ولی با وسـعت خانه‌سازی اطراف به نظر می‌رسد که این جایگاه مقدس و تاریخی به سرنوشت دیگر جای‌ها که از میان رفته است دچار شود.

تصویر ص ۱۳۰؟؟؟

بَدر:

ص: ۱۱۶

بَدر:

«همانا خدا شما را در بدر یاری کرد در حالی که ناتوان بودید.» (۱) یکی از جای‌هایی که در تاریخ اسلام اهمیتی خاص دارد بدر است. در این سرزمین پایه فتح‌های اسلام نهاده شد.

بدر در سابق سر راه مدینه به مکه بود، لیکن امروز، از راه عمومی به کنار است.

نبرد بدر در سال دوم از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله رخ داد.

خبر به مدینه رسید که ابوسفیان با کاروانی بزرگ و مال بسیار از شام به مکه باز می‌گردد. پیغمبر سپاهی فراهم آورد که شمار آن را سیصد و سیزده تن نوشته‌اند. یک چهارم آن از مهاجران و سه چهارم از انصار بودند. اینان بر سر چاه‌های بدر در کمین نشستند. ابوسفیان خبر یافت و راه خود را تغییر داد، در ضمن از مکه یاری خواست. چون خبر به مکه رسید ابوجهل در خشم شد و گروهی که شمار آنان را نهصد تن نوشته‌اند فراهم آورد و گفت باید درس فراموش ناشدنی به مردم مدینه بدهم.

مسلمانان چنان که نوشتیم بر سر چاه‌ها بودند و سپاه مکه چون در پی آب آمدند با مسلمانان درگیر شدند. در این جنگ هفتاد تن که بیشتر از مهتران مکه بودند کشته شدند. در جنگ بدر علی علیه السلام پشت سپاه پیغمبر بود و چند تن از دلاوران مکه به‌دست حضرتش کشته شدند.

مأخذهای کتاب

۱- آل عمران: ۱۲۳.

ص: ۱۱۷

مأخذهای کتاب

مأخذهایی که در نوشتن این کتاب از آنها استفاده شده است:

۱- الاصابهٔ فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی، چاپ ۱۳۲۸ هجری قمری.

۲- اخبار مکه، محمد بن عبداللّٰه ازرقی، دارالاندلس، بیروت ۱۴۰۳ هجری قمری.

۳- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، درالکتب الاسلامیه، تهران.

۴- بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسهٔ الوفاء، بیروت- ۱۴۰۳ هجری قمری.

۵- تاریخ الاسلام السیاسی، حسن ابراهیم حسن، مکتبهٔ النهضه، قاهره ۱۹۶۴- م.

۶- تاریخ تحلیلی اسلام، سید جعفر شهیدی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ هجری شمسی.

۷- تاریخ الرسل والملوک (تاریخ طبری)، ابوجعفر محمد بن جریرطبری، بریل ۱۸۷۹- م.

۸- تاریخ عرب، فیلیپ حتی. ترجمه‌محمد سعیدی، کتابفروشی زوار.

۹- تاریخ معالم المدینهٔ المنوره، سید احمد یاسین، مکه- ۱۴۱۲ هجری قمری.

ص: ۱۱۸

۱۰- دائرةالمعارف بریتانیا.

۱۱- دائرة المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب تهران ۱۳۴۵ هجری شمسی.

۱۲- دائرةالمعارف، محمدفرید وجدی، دارالمعرفه، بیروت ۱۹۷۱- م.

۱۳- الدر الثمین فی معالم دارالرسول الامین، غالی محمد امین‌شفقیطی، دارالقبله، جدّه.

۱۴- دیوان خاقانی.

۱۵- دیوان ناصر خسرو، منیوی، محقق. دانشگاه تهران- ۱۳۵۶ هجری شمسی.

۱۶- زندگانی علی بن الحسین علیهما السلام، سید جعفر شهیدی، دفتر نشرفرهنگ اسلامی، تهران.

۱۷- سفرنامه مکه، مخبرالسلطنه هدایت، انتشارات تیراژه- ۱۳۶۸ هجری شمسی.

۱۸- سفینةالبحار، حاج شیخ عباس قمی، انتشارات کتابخانه سنائی.

۱۹- الشیخ محمد بن عبدالوهاب، احمد بن حجر آل بن علی، مطبعةالحکومه، مکه- ۱۳۹۵ هجری قمری.

۲۰- علل‌الشرائع، محمد بن علی بن حسین معروف به صدوق، منشورات مکتبةالحیدریه، نجف- ۱۳۸۵ هجری قمری.

۲۱- الغدیر، عبدالحسین احمد امینی، دارالکتاب العربی، بیروت- ۱۳۸۷ هجری قمری.

۲۲- قرآن کریم، خط عثمان طه.

۲۳- الکعبة و الکسوه، احمد عبدالغفور.

۲۴- کنزالعمال فی سنن‌الاقوال و الافعال، علاءالدین علی

ص: ۱۱۹

المتقی، مؤسسةالرساله، بیروت- ۱۳۹۹ هجری قمری.

۲۵- مرآة الحرمین، ابراهیم رفعت پاشا.

۲۶- مستدرک‌الوسائل، حاج میرزا حسین نوری، مؤسسهٔ آل‌البیت، قم- ۱۴۰۷ هجری قمری.

۲۷- مسند، احمد بن حنبل، قاهره- ۱۳۱۳ هجری قمری.

۲۸- معجم‌الانساب والاسرات الحاکمه. زامبادر، مطبعهٔ جامعهٔ فؤاد اول، قاهره- ۱۹۵۱- م.

۲۹- معجم‌البلدان، یاقوت حموی، دارصادر، بیروت- ۱۳۷۴ هجری‌قمری.

۳۰- معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث بلادی، دار مکه، مکهٔ‌المکرمهٔ ۱۴۰۱ هجری قمری.

۳۱- المعجم‌المفهرس لالفاظ الحدیث‌النبوی، ونسنک، بریل- ۱۹۳۶- م.

۳۲- المغازی، محمد بن عمر بن واقد، مطبعهٔ جامعه آکسفورد.

۱۹۶۶- م.

۳۳- مکه مکرمه و مدینه منوره، امل اسین، ترجمه احمد آرام، انتشارات امیرکبیر، تهران- ۱۳۵۸ هجری شمسی.

۳۴- نشریه وزارت اطلاعات عربستان سعودی، چاپ پنجم، ربیع‌الثانی- ۱۴۰۲ هجری قمری.

۳۵- نهج‌البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، انتشارات و آموزش‌انقلاب اسلامی تهران- ۱۳۶۸.

۳۶- وسائل‌الشیعهٔ الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن الحرّ العاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت- ۱۴۰۳

ص: ۱۲۰

هجری قمری.

۳۷- وفاء الوفا، بالخبار دارالمصطفی، نورالدین علی سمهودی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۱ هجری قمری.

۳۸- وهابیان، علی اصغر فقیهی، مؤسسه اسماعیلیان- ۱۳۶۴ هجری شمسی.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹